

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۲ صفحه

۷۸

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۵ آبان ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

لایحه صفحات دیگر این شماره:

- ۱ اخباری از کردستان قهرمان صفحه ۵
- ۲ درجین رویو بیونیستی چه میگردد؟ (۲) صفحه ۱۲
- ۳ مصاحبه با رفقا حسین و روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۷) صفحه ۱۳
- ۴ با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۹) صفحه ۶
- ۵ پاسخ به نامه ها صفحه



اطلاعیه وحدت با گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگر

وحدت با رفقای انقلابیون آزادی طبقه کارگر! از مدتها پیش در دستور کار ما قرار داشت در اسناد ما مانع توجه در خوری به امر وحدت نبود. حاکمیت انحراف بر اساس برنامه زمان ما در این زمینه سزاوارات زمانه را خود را بر جای نمیکشاند. کم توجیهی به مبارزه اندولوژیک در سطح جنبش و از همین زاویه کم توجیهی به امر وحدت با سایر گروهها و محافل درون جنبش کمونیستی صورت گویا کون این انحراف بود.

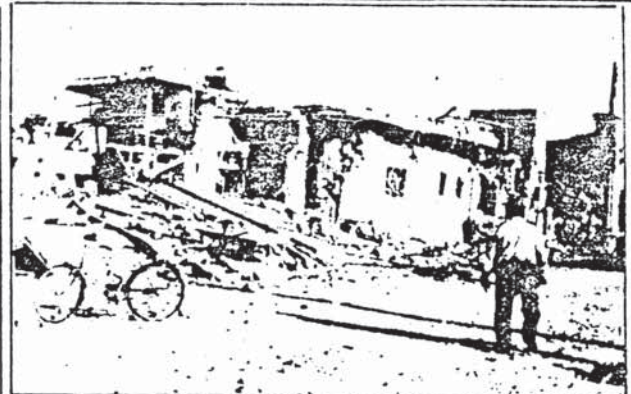
بقعه در صفحه ۱۸

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

پاسخی به

لاطائفات روزنامه اطلاعات

صفحه ۱۰



منتخبی از اخبار جنگ صفحه ۱۷

جراهمه فرماندهان ارتش "حر" اند؟! صفحه ۲۱



سر مقاله

پرچم لنینیسم را برافراشته نگاه داریم

رفقا! در شرایط سازجاده و سخته ای سر مستقیم و مشکلات ما را از هر سو به غارت منظم! در ایران علم مردم جنبشها و نوارها سا را غلات محضان به سن می - رود و جنبش سومنده حلقی که در شرایط اغلاشی لیکن آمیخته به موم سر مسرد، اوضاع اغلاشی را بوسند مدهد. ما ندوهم بوده ها را فسر و رخت، این است یکی از موانع اساسی گسترش اغلاش! اما مشکل سها توهم بوده ها نیست، مشکل نسبت و غفره و ضعف جنبش کمونیستی ایران سر مستاند و سوا صحت است که مشکلات جنبش ما ر کمونیستی لنینیستی ایران ارحله درازناط با حوران جنبش کمونیستی بس - لعلی قابل توضیح است.

شبه در صفحه ۲

نگاهی به:

جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها

صفحه ۱۱

روزنامه جنگ

پیکار

ملت ترک مناطق جنگزده خوزستان توسط مزدبخت

روزنامه های حزب کمونیستی

تقدیران حزب در این جنگ چه میکنند

امروز جنگی ظهور ۱۳۵۹

دکتری بس

مردم ایران

مردم ایران

مردم ایران

سفر رجائی به نیویورک

صفحه ۲۴

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

پرچم ...

هم اکنون جنبش جهانی کمونیستی که با پیکر خونین و زخم آلود از ضربات رویزونیستهای مرتد خروشقی و سه جهانی در شت و تفرقه بسر میبرد دچار انحرافات کوناگون است و در حال حاضر فاقد ستاد قوی و نیرومند کمونیستی و بسین - المللی میباشد.

امروز در شرایطی که جنبش جهانی کمونیستی دچار تفرقه، پراکندگی، ضعف و بی باکی در توده ها و با لایحه طبقاتی و انحرافات کوناگونی گلوگاه مارکسیست لنینیستهای جهانی را میگذرد. جلوه های از این انحرافات در برخورد برخی از کمونیستهای جهان به وضعیت جنبش انقلابی ایران و ما هیت قدرت سیاسی حاکم نظام را پیدا میکنند. در اینجا روی سخن ما آشکارا با حزب کارآلبانی است که از جمله پرچمداران مبارزه ضد رویزونیستی است. این رفقا در برخورد به برخی از مسائل و از جمله در برخورد به مبارزات مردم ایران دچار انحراف گشته و با "مترقی و ضد میریالیست" خواندن رژیم ایران و حمایت از آن در قبال جنگ ارتجاعی کونی، آشکارا به جنبش کمونیستی و انقلابی ایران لطمه میزنند!

اما رفقا مسئله بدینجا ختم نمیگردد. در داخل جامعه خودمان، رفیقان شماره راه یک بیک به مارکسیسم و انقلاب پشت کرده اند. چرا که حدت یابی مبارزه طبقاتی مجال برای حفظ دوستیهای پیشین بدست نمیدهد و هر کس ناگزیر است راه خویش را انتخاب کند. تندبیجهای تاریخی، از ما پیشای دشواری پیش پای کمونیستها مینهد، که کمونیستها پیگیر با بد آن را از سر بگذرانند. یکی ارتندیجهای جامعه ما یعنی واقعه سفارت نتایج بسیاری را در بر داشت.

در پی آمدن تندبیج و در طی یک روند، بخش مهمی از سازمان چریکهای فدائی خلق به ورطه رویزونیسم خروشقی و اتحادیه کمونیستها به اپورتونیسم منطقت آلوده به گرایشات عمیق به جهانی در غلطیدن! در این تندبیج تاریخی بعد از قیام، کمونیستهای پیگیر از آزما پیشی سخت سر بلند بیرون آمدند. دومین تندبیج پس از قیام، جنگ ایران و عراق بود. در این تندبیج اتحادیه کمونیستها به دفاع فعال از بورژوازی حاکم، دولت ارتجاعی موجود و جنگ نا عادلانه پرداخته و همصدا با بورژوازی به تعرض علیه انقلاب و نیروهای پیگیر دست میزدند و بدین ترتیب این نیرو به منجانب کامل اپورتونیسم در غلطید. در این تندبیج نیروهای نا پیگیر و متزلزل جنبش کمونیستی ایران انحرافات خود را تعمیق بخشیدند. رفقای "راه کارگر" و رفقای "رزمندگان" انحرافات رویزونیستی

خویش را تعمیق نموده و دم بدم انحرافات راست - روانه شان را شدت بخشیدند. و در این میان برخی دیگر از نیروها نیز دچار انحرافات "دفاع - طلبانه" گردیدند.

رفقا! تندبیج سختی را با بد از سر بگذرانیم! اگر در تندبیج واقعه سفارت، سازمان چریکهای فدائی (اکثریت امروز) خواهان صلح و سازش با رژیم در کردستان گشته و به دفاع از مبارزه "ضد امپریالیستی" جناحی از هیات حاکمه برخاست و بالاخره سقوط نمود، در تندبیج جنگ ایران و عراق، نیروهای کمونیستی تا پیگیر در سر آغاز چنین راهی قرار گرفته اند. اینان نیز در چنین شرایطی عمده نمودن مبارزه علیه ارتجاع داخلی را انحراف میدانند "دفاع از میهن"، صلح در کردستان "تصیحت به هیات حاکمه فدائیان" که به سرکوب انقلابیون نیر دازد، توصیه به رژیم برای صلح نمودن توده ها و دست آفرینان آشکار رفقای رزمندگان در دفاع از "گرایشات ضد امپریالیستی" خرد بورژوازی حاکم، همه و همه زنگ خطر را بنماید در میاورد و نگرانی کمونیست - های پیگیر را افزونتر می نماید.

رفقا! در غلطیدن به منجانب رویزونیسم و اپورتونیسم در جامعه ما با سرعتی شگرف صورت می پذیرد. اگر در قبال بعد از گذشت چندین سال در دوران افت جنبش، در سال ۵۶ انشعاب دارو دسته رویزونیست منشعب از چریکهای فدائی خلق تحقق یافت، اکنون کوران مبارزه طبقاتی بیش از یک سال مجال نداد که انشعاب بزرگی را در دوران این سازمان بوجود آورد و بخش مهمی از این سازمان را به دامان رویزونیسم در غلطاند! نگاهی به سیر انحرافات و وضعیت سازمان نیروهای جنبش انقلابی و کمونیستی نیز این حقیقت را بیش از پیش به نمایش میگذارد و نگرانی ما را بحق افزون میکند. آری، پشت نمودن به پرچم لنینیسم، سر پوش محتوم همه آن جریانهاست که راه سازش با هیات حاکمه را در پیش میگردند.

شرایطی که ما در آن بسر میبریم به لحاظی همچون سالهای ۴۰ و ۵۰ قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپاست. بنیاد آوریم سالیان ۱۸۴۰ تا ۵۰ را که آلمان در بحبوحه انقلاب بود اما جنبش چپ برآکنده و ضعیف بوده و انحرافات اپورتونیستی، بورژوازی موجود در آن بشمار بود. در چنین هنگامی آموزگاران پرولتاریا ما رکن و انگلس، پرچم پرولتاریا را برافراشته نگاه داشتند و مبارزه پیگیر، پیروزی پرولتاریا و حقانیت مارکسیسم را به اثبات رساندند. بنیاد آوریم دهه های اول قرن بیستم را که دوران سیادت کامل اپورتونیستها در جنبش کمونیستی جهانی بود و در روسیه بخش مهمی از جنبش چپ آلوده به اپورتونیسم بین الملل دوم

گردید. اما در همین زمان روسیه خلقند ضعیف رنجبر امپریالیسم و سرزمین انقلاب بود. بلشویکها به رهبری رفیق لنین پرچم را برافراشتند. نگاه داشتند و در تمام جهان آن را به اشتراک در آوردند. لنین پرچم مارکسیسم را بدست گرفت. دژ اپورتونیسم و رویزونیسم را درهم کوبید و در راه انقلاب فاطما به بدین رفت. و با لاشکره پرولتاریای روس در پرچم کسر لنینیسم، انقلاب اکسیرا به پیروزی در جهان رسانید.

رفقا! ما نیر در شرایط سختی بسر میبریم. ایران در الکتیاب جنبش توفنده و او جکی رسیده توده ها بسر مسرد، سد بیج حک ایران و عراق خطوط درون جنبش کمونیستی را مشخص تر ساخته و چه بسا رفیقان نیمه راه دیگری را از مسدود سازد و در میان توده ها به دلیل توهم، ستاد انقلاب دشوار گشته است. لیکن آینده از آن ما است! از یک سو فلاتک جنگ و سد بدینما لنینیست انقلابیون، توده ها را آکا هر خواهد نمود و توده ها بیش از پیش بسوی لحظه ای که لوله تفنگ را به طرف ارتجاع حاکم نشانه کرده اند و خود را هدفت و از سوی دیگر در صف جنبش کمونیستی سره از ان سرتجه میگردود در این میان رفیقان نیمه راه آشکارا ما هیت خویش را بر ملا مسارند و صف کمونیستهای پیگیر فشرده سر میگرد. آری این تندبیج نتایج بسیاری بنیاد خواهد آورد و ما دیگر کمونیستهای پیگیر، به انکام مبارزه اید و شو - لوزیک با انحرافات جنبش کمونیستی و به انکاء پیوند با پرولتاریا و زحمتکشان ستاد رزمنده پرولتاریا حزب کمونیست ایران - را تدارک خواهیم دید. حزبی که پرچم ظفر نمونش لنینیسم است.

رفقا! شرایط دشواری است. در کوران تند بیج عظیمی قرار گرفته ایم. اما ما مصمم گشته ایم که در این تندبیجها نه تنها دچار رتزلزل نگردیم نه تنها از انقلاب دوری نجوئیم، بلکه همیشه و همواره به منافع انقلاب و طبقه کارگر ببنیدیم و در این راه فاطما نه به پیش رویم، راه مبارزه انقلاب است چرا که پرچم ما لنینیسم است.

رفقا! برای دفاع از منافع طبقه کارگر، برای دفاع از پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم بر اساس خط اصولی سازمان در قبال جنگ، فعلا نه به کوشیم انحرافات رویزونیستی بورژوازی در جنبش کمونیستی و انقلابی میهنمان را افشا کنیم و

پرچم ظفر نمون لنینیسم را برافراشته نگاه داریم!

آینده از آن طبقه کارگر است. این حکم تاریخ است.

★★★

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



حمایت کارگران "سپیدرود" از شورابیشان

مدتی پیش مجمع عمومی کارگران بدعوت شورای کارخانه تشکیل میشد که علیرغم تهدیدات کارفرما (که کارگران را در صورت شرکت در مجمع به غیبت و جریمه تهدید کرده بود) حدود ۵۰ نفر در آن شرکت داشتند. فردای آن روز حسینی رئیس پا کساری به همراه نماینده استان - داری و عده ای دیگر به کارخانه آمده و قصد صحبت با شورا را داشتند که بعلمت با فشاری نمایندگان شورا، مجبور میشو ندر حضور تمامی کارگران صحبت های خود را بکنند. ابتدا حسینی بعد از مقدمه چینی های زیاد مسئله "پا کساری" را مطرح میکنند و به این بهانه که گویا در کارخانه به ما متوهین شده! (درست همانطور که ما و کی- های زمان شاه به بهانه توهین به "شخص اول مملکت" بگیرو ببنده راه می انداختند) در این هنگام یکی از نمایندگان شورا اجازه صحبت میخواهد ولی از آنجایی که حسینی به او اجازه نداد و نوبت را به همپا لگسی اش یعنی نماینده استاندار میدهد، کارگران اعتراض میکنند، که در جواب حسینی میگوید: "آقایان حرفهای خدا سلامی نزنید!" بدنبال این جریان کارگران متوجه میشوند که حسینی قصد توطئه چینی و نفاق - افکنی در صفوف کارگران را دارد، لذا همگی محکم و یکصد شاعران می دهند: "شورای انتحاری موردنا شد ما ست" و حسینی که می بیند توطئه - هایش نقش بر آب شده، دوش را روی کولش گذاشته می رود!

زنده باد آگاهی و اتحاد کارگران!
بنقل از نشریه شماره ۵ بیک چوکا

گزارشی از انعکاس جنگ ایران و عراق در بیک کارخانه

رژیم از آن بیشتری خواهد برد. رژیم میکوشد تا با تشدید استعمار کارگران خسارات این جنگ را جبران کند و سودهای خود سرما به داران را مانند گذشته تامین کند.

انجمن اسلامی، گروه های بسیج را که حدود ۶۰ الی ۷۰ نفرند هر شب به پاسداری و تعلیمات نظامی و ایدئولوژیک وادار میکنند. حدود ۱۰ نفر از کارگران منقضی خدمت سال ۵۶ به خدمت اعزام شده اند، که بعضی از آنها با ترس و پاناس - رضایتی به جبهه رفتند و دو کلا ۳۰ نفر منقضی خدمت ۵۶ و ۲۰ نفر از گروه های بسیج به جبهه اعزام شده اند که همین موضوع کار رفیق کارگران را سنگین تر نموده است.

مسئله خاموشی شب و اثرات آن یکی دیگر از عوارض جنگ است. خاموشی در این کارخانه باعث شده که یکی از کارگران به زیر ما شین رفته و کشته شود، که چند نفر از اقوام و دوستان کارگران نیز به همین ترتیب دچار مرگ و با حاد شده اند. از جمله تا شیرات دیگر خاموشی ضعیف شدن اعصاب کارگران است. اگر جنگ شدت یابد فشا زندگی بر کارگران بیشتر میشود و حتما بر علیه این جنگ مبارزه خواهند کرد.

عده ای از کارگران که در ابتدا تحت تاثیر تبلیغات "میهن برستانه" و "دفاع از میهن" از رفتن به جبهه و جنگ دفاع میکردند، بعد از بیماریهای ناشی از سمات یعنی و غیره نسبت به آینده بحالت شک و تردید افتاده و مثلاً مطرح میکنند که "ما چند سال عقب افتادیم حالا چقدر طول خواهد کشید که جبران این خسارات را بکنیم" البته فالانزها و کسائی دیگر که از لحاظ مادی وضع تثبیت شده تری دارند، هنوز به پیروزی اسلام و سرنگونی مدام معتقدند. انجمن اسلامی که بصورت شورای کارخانه و از ریز کردن چند روز حقوق را بحساب ۷۷۷۷۷۷ تبلیغ میکنند و در ابتدا نواخته بودند یکروز حقوق را از همه کارکنان به این منظور بگیرند، بعداً مطرح کردند هر کس حاضر است حقوق روزهای بیشتری را بدهد که در این مورد تعداد زیادی بین ۲ تا ۳ روز حقوق خود را در ماه مهر منظور نمودند. بیشتر کارگران تمایلات "دفاع طلبانه" دارند، یعنی وقتیکه از چند کارگر پرسیدم که اگر زمان شاه بود این جنگ بوجود می آمد، آیا به جبهه میبرفتیم؟ همگی می - گفتند بلیه. در رابطه با شرایط جنگ مسائل صنفی دشوار است، که چه قبل از جنگ حق تولید سود ویژه و غیره مطرح بود اما اکنون اگر از طرف کسی این مسائل مطرح شود، فالانزها و سرپرستان با برخ کشیدن جنگ و اینکه "برادران مادر جبهه کشته میشوند و شما دنبال حقوقتان هستید" عکس العمل نشان میدهند. در همین رابطه تا حدود زیادی کارگران به این قضیه که جنگ سر - پوشی است برای مخفی نگه داشتن فشارها پس برده اند در حال حاضر با سوء استفاده از جنگ فشار کار زیاد شده است. بطوریکه شورا و سرپرستان کمکاری و اعتراضات دیگر را حرکت ضد انقلابی میدانند پس از بمباران کارخانه و به علت کمبود مواد، تولیدش پاشین آمده به همین خاطر کار کارخانه که سه شفته بود و شفته شده، البته قبلاً کشته بودند هر شفته از کارگران ۲ روز در هفته را ۱۲ ساعت کار کنند، که کارگران از این قضیه دلخور شده اند (سرپرستان کار هر چه بیشتر را تبلیغ میکنند) و اگر دو شفته بصورت رسمی اعلام شود کارگران به ما هیت جنگ و سواستفاده

با اخراج کارگران به مقابله برخیزیم!

در صورت تعطیل کارخانه، کارگران باید حقوق کاملشان را دریافت کنند

مؤذیان کارگران را از شرح اخراج میترسانند و آن بعنوان چماق سرکوب استفاده میکنند. کارگران مبارز! شما در این شرایط تنها با تشکیل شورا های واقعی کارگری که میتواند از اخراج کارگران و سایر مسائل جنگ جلوگیری کنید، شورای کارخانه در این شرایط باید حقوق اخراج کارگران را از کارفرما بیا ن گرفته و آن را در اختیار خود بگیرد کارگران در صورت تعطیل کارخانه باید حقوق کامل خویش را دریافت کنند.

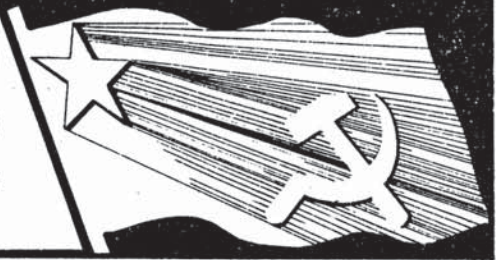
توده های زحمتکش که در بوجود آمدن این جنگ هیچگونه نقشی نداشته اند، بیشتر بی - بدبختیها و فلاکت های ناشی از جنگ را بدوش میکشند. از جمله مما شب جنگ اخراج کارگران و تعطیل کارخانه ها میباشند. سرما به داران و رژیم بدلیل کمبود مواد اولیه از جنوب از آنجا که نمیخواهند حسی چند روز هم که شده سود نبرند و یا کمتر سود ببرند، فوراً دست به اخراج کارگران و تعطیل کارخانه میزنند، در سایر کارخانجات نیز کارفرمایان

نیمه شماره ۹۲

پیش بسوی تشکیل شورا های واقعی کارگری

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۲)

چگونه در خفا با آنها سینه‌چود را جلوی ناگهیا سر می‌گردند و شعار "شاهک زنجیری آمریکا" می‌آورند؟ رژیم مزدور را می‌لرزاند. ما توده‌ها را هم در حالت تسلیم و هم در حالت طغیان دیده‌ایم.

هر زمان بشناسد، مبلغ با یستی این نکته را در یادگه آبا توده‌ها بیشتر در حالت رکود هستند؟ با آرم خام و اعتراض توده‌ها سرریز می‌کنند؟ دوران رکود است؟ اعتلا انقلابی است و یا موقعیت انقلابی؟ هر چه توده‌ها از روحیه رکود و تسلیم دور می‌شوند و آتش نشانان شروع به طغیان می‌کنند، تبلیغ اشکال نوین تری پیدا می‌کند. در دورانهای رکود با توده‌ها نرم - تر، صورتها را متروا را متروا متروا گفت و با تشریح مسائل جاری و ملموس، خشم و نفرتشان را برانگیخت، در حالیکه با حرکت توده‌ها با توده‌ها دورانی انقلابی میتوان تندتر، آتشین‌تر و پر شورتر با توده‌ها صحبت کرد آنچه را که در دوره - های رکود بستی و به آرمی با تبلیغ میشد اکنون با تندترین الفاظ و اشکال میتسوان تبلیغ کرد. بدین ترتیب با توده‌ها ره‌نمایی توده‌ها را درست داشت و دانست که توده‌ها

الف - قوانین تبلیغ

در شرایطی که قبلاً به تعریفی مقدمه‌ای از تبلیغ برداختیم از این شماره به بررسی قوانینی که تبلیغ باید بر آن متکی باشد می‌پردازیم.

۱- شناخت "غرایز طبقاتی"

و احساسات متغیر توده‌ها

(نقض توده‌ها را در دست داشتن)

تا بدست‌عجب کسند چرا ما از "غرایز طبقاتی" سخن می‌گوئیم. مگر نه اینست که خلق و جسمی توده‌ها را شرایط اقتصادی اجتماعی زندگی‌شان تعیین می‌کند؟ این درست است، اما برای شناختن دست با بدافزود که بر اثر شرایط ستم طبقاتی، غرایز خاصی در توده‌ها بوجود آمده است. زحمتکاران در ارتباط با شرایط اقتصادی زندگی‌شان، دچار روحیات خاصی شده‌اند. مثلاً دهقانان به علت قربت کار جدا از هم دچار کمبود فردگرایی خاصی هستند و با خوردن و خوردن‌های فردی تنگ نظری و محدودنگری ویژه‌ای است که محصول وضعیت و در ارتباط با تولید است. یا طبقه کارگر خلق و خوی جمع‌گرایی دارد و در این رابطه لنین غرایز مثبت و منفی طبقاتی توده‌ها را چنین دسته‌بندی می‌کند:

"۱- حالت رکود آنها، تسلیم‌پذیرا بر سر فقر و فقدان حقوق و عادت به ستم.

"۲- اعتراض، خشم و بازمایی و طغیان علیه سرچشمه بلا و افسوس فقر، ولی نه طغیان و اعتراض و خشمی که توسط تئوری اجتماعی آموزش پیدا کرده و روشن شده باشد." (۱)

ما این نظریات را در زندگی اجتماعی خود بخودی تجربه کرده‌ایم. مثلاً سال ۱۳۵۰ را در نظر بگیریم. اگر جلوی عده‌ای از کارگران، شعار مرگ بر شاه را طرح می‌کردیم، با ترس و لرزه اطراف خود نگاه می‌کردند و بی احتیاطی ما را سرزنش می‌کردند. مبارزات توده‌ها اندک و آنهم عمدتاً در چهارچوب مبارزات اقتصادی بود. چه بسا اعتنایی در برخی کارخانجات برگزار میشد که اعتصاب کنندگان را عکس‌شاه‌شان را در جلوی نظرات خود حمل می‌کردند. اما حال سال ۱۳۵۲ را در نظر بگیریم. همان توده‌های سال ۱۳۵۰ که از شنیدن شعار مرگ بر شاه می‌ترسیدند و مایل به بحثهای سیاسی "خطرناک" نبودند،

* ما باید توجه داشته باشیم که، چه بسیار تجربیات توده‌ها که اکنون کهنه می‌ارزند و چه احساساتی که ناپسند و مخالف مصالح انقلابند، اما اگر اهمیت عظیم حساب آوردن این خلق و خوی توده‌ها را در امر گراقت و تبلیغ نشناسیم، مبلغین خوبی نخواهیم بود.

* در تبلیغ ما وظیفه داریم، برای آگاه کردن توده‌ها برای به هدایت در آوردن غرایز طبقاتی توده‌ها و امیدوار ساختن احساسات انقلابی آنها، روحیات توده‌ها را در هر زمان مشخص بشناسیم و در امر تبلیغ حساب آوریم

دارای کدام احساسات و روحیات هستند. البته دانستن این امرها منظور که شرح خواهیم داد بهیچوجه موجب آن نباشد بشود که در مقابل این احساسات تعظیم کنیم، بلکه ما برای آنکه احساسات غلط و روحیه تسلیمی را که طبقات استثماری بر هزاران حیل و زور در توده‌ها ایجاد کرده‌اند، تداوم ندهیم، با ایجاد احساسات توده‌ها را در هر زمان بشناسیم.

پس در تبلیغ ما وظیفه داریم، برای آگاه کردن توده‌ها، برای به هدایت در آوردن غرایز طبقاتی توده‌ها و امیدوار ساختن احساسات انقلابی آنها، روحیات توده‌ها را در هر زمان مشخص بشناسیم و در امر تبلیغ حساب آوریم.

- رابطه احساسات با تجربیات توده‌ها

گذشته از آن غرایز طبقاتی که محصول قرن‌ها ستم طبقاتی است، تجربیات مشخص توده‌ها نیز بر احساسات آنها تا شایر می‌گذرد. تجربه زندگی توده‌ها، اشکال مبارزاتی، نوع رهبری و ... سابق توده‌ها بر روی خلق و خوی آنها تا شایر بسیار دارد. فی‌المثل توده‌ها شیکه یک قیام را پشت سر گذاشته‌اند، برای قیام مجدد با دگی بیشتری دارند و با تجربه مبارزات توده‌ها تحت رهبری آیت‌الله خمینی بر علیه شاه‌خا شن منشا احساسات متوهم‌کنونی توده‌ها نسبت به وی پس از سرنگونی شاه است. بسیاری هنوز فکسر میکنند و همسگرتاهاست! بدین ترتیب تبلیغ شعار سرنگونی دولتهای ضد خلقی که توده‌ها هیچ بقیه در صفحه ۷

تبلیغ با بدین قانونمندی غرایز طبقاتی را بشناسد و در فعالیت خود آنرا حساب آورد. مثلاً تبلیغ ضرورت سرنگونی شاه و با بستگی رژیم شاه، به آمریکا هم در سال ۵۰ و هم در سال ۵۲ با یستی انجام می‌گیرد، اما طبیعی است در سال ۵۲ توده‌ها بر احوالی به نظرات مرگ بر شاه می‌پیوندند، در حالیکه این تبلیغ با یستی در سال ۵۰ با توجه به روحیات توده‌ها در آن زمان، اشکال حالات و ویژه‌گه‌های مناسب خود را پیدا کند.

بدین ترتیب تمامی میان غرایز طبقاتی توده‌ها وجود دارد (تضاد میان روحیه رکود و تسلیم و خشم و اعتراض) تبلیغ با یستی بکوشد با یستن تضاد روحیه خشم و طغیان توده‌ها حل شود و از طرف دیگر این روحیه خشم و اعتراض توده‌ها از حالت خودبخودی که میتوانند حتی در خدمت سرمایه‌داری نیز در برابر بدخارج شده و آگاهانه عمل کنند، پس با یستی تبلیغ از یکطرف آن نفرت فروخته زحمتکاران از استثماری‌گران و آن شور و خشم انباشته شده از ستم‌سگرتان طی سالها رنج و استثماری در توده‌ها بیدار کند. آن روحیه تسلیم‌ورود که ناشی از قرن‌ها سرکوب‌ظلم و جهل توده‌هاست را در هم کوبد و بجای آن برخشم آتشین توده‌ها نسبت به ستمگری بدمدواز طرف دیگر تبلیغ با یستی این خشم و اعتراض خود - بخودی توده‌ها را با آگاهی کمونیستی درهم بیا میزد و آن را مانند رودی خروشان در کانال درهم کوبیدن سرمایه‌داری هدایت کند.

گذشته از موارد فوق، آنچه که تبلیغ با یسیر آن متکی باشد اینست که روحیات توده‌ها را در

خلق ها و مسئله ملی



آدینا ن" بیورش برده و حدود ۱۵ نفر از مردم زحمتکش روستا را بگروگان گرفتند. رژیم جمهوری اسلامی، با گروگان گیری مردم بی دفاع بدست مزدوران خود، تشنه نا توانی خود را در مقابل جنبش مقاومت خلق کرد نشان میدهد. چندی پیش نیز مزدوران رژیم عده ای از اهالی "کاکاسیاب" و "ماحب" را نبریه گروگان گرفتند که تا بحال در بدترین شرایط بهداشتی و غذایی در بازداشتگاهها با دگان بسر میبرند.

سنندج

اختناق جمهوری اسلامی!

با سداران و جاشها اهالی حماه آفرین شهر سنندج را زیر فشار روحفان قرار داده اند. آنها به این بهانه که پیشمرگان در خانه های مردم بسر میبرند به خانه ها حمله میکنند، محلات را کنترل کرده و شبانه روز به نگهبانی و کنترل رهگذاران در خیابانها می پردازند.

اهالی محلات اطراف پا دگان تحت فشار مزدوران جمهوری اسلامی خانه های خود را تخلیه کرده اند. مزدوران رژیم میخا هند با چند دورسیم خاردا رومین گذاری اطراف پا دگان، با دگان را از محلات پیشمرگان رزمنده در اما ن نگهدارند. جاده سنندج - کرمانشاه نیز تحت کنترل شدید مزدور ضد خلق می باشد. با سداران و جاشها اوشوسها و ماشینهای را که از سنندج خارج میشوند تا فاصله ۴۰ کیلومتری از شهر بیش از ۴ با رمورد با زدید و تفتیش قرار میدهند. آنها علاوه بر با زرسی بدنی مسافران و سائل آنها را نیز بدقت با زدید میکنند.

ارومیه

مزدوران شاه، چماق سرکوب جمهوری اسلامی

سرهنگ تاج الدینی عامل کشتار با زده تن از مردم سردشت در تظاهرات از قبا مک پسن از قبا توسط مردم دستگیر و به کمیته تحویل داده شده بود اکنون آزاد شده و به فرماندهی ژاندارمری ارومیه منصوب شده است. تعجبی ندارد اگر رژیم حاکم مزدوران شاه را به چماق سرکوب خود تبدیل کرده و میکوشد مبارزات خلقها را خفه کند، زیرا خدا انقلاب ضد انقلاب است حال مزدوران شاه با شندویا مزدوران جمهوری اسلامی. ایمن طبیعی است که آنان علیه انقلاب متحد یکدیگر باشند



اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

تکاب ۵۹/۷/۱۲

گروگان گیری زحمتکشان روستای مائین بولاغ

در حمله قهرمانان نه پیشمرگان دمکرات به ستونی که برای با صلاح با کسای از تکاب به روستای "ما بین بولاغ" رفته بود، ۴ نظامی کشته و ۶ نفر از با سداران زخمی شدند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، به تلافی این حمله، ۲۰ نفر از اهالی بی دفاع محل را بگروگان گرفته و بعد از انتقال به تکاب، آنها را اعدام کردند. در این درگیریها ۲ ربوی ارتشی بدست پیشمرگان منهدم شدند.

تکاب ۵۹/۷/۱۳

غارت روستایان بی دفاع

در این روز با سداران جهل و سرما به به روستای "قزقا بن" حمله کردند. آنها مقدسدار زیاده از محصولات علوفه ای روستایان را به آتش کشیدند و ضمن ویران کردن حدود ۲۰ خانه، عده ای از اهالی روستا را بگروگان گرفته و با خود بردند.

علی آباد، افسار ۵۹/۷/۱۸

برگزاری مراسم گرامیداشت پیشمرگه شهید "طا" الله برازنده"

زحمتکشان روستای افشار و روستای منطقه مراسم گرامیداشت رفیق شهید "طا" الله برازنده "پیشمرگه دلیر ما زمان پیکار را برگزار کردند. در این مراسم عده ای از پیشمرگان سازمان پیکار با حضور خود در مراسم سوختن آتش در باره رفیق شهید "طا" و ادا مراسم و با ردیگر پیمان انقلابی خود با خلق زحمتکش کرد را تجدید کردند.

سقز ۵۹/۷/۱۹

تورپستهای رژیم در سقز

در این روز، یکی از جاشهای منفور، بقصد دستگیری یکی از جوانان شهر، به آواست داد اما جوان مذکور بدون توجه سخواست محل را ترک کند. در این حین، جاش منفور شروع به تیراندازی کرده در نتیجه آن دو نفر از عابرین زخمی شدند. مردم زخمیها را بلافاصله به بیمارستان سقز انتقال دادند.

سنندج ۵۹/۷/۲۰

اختناق پاسداران در محله آغازمان

بدنبال کشته شدن ۲ تن از مزدوران منفور رژیم در محله "آغازمان"، جاشها و پاسداران، آب و برق این محله را قطع کرده و از دادن آذوقه به اهالی خودداری نمودند. آنها میگفتند که اهالی محله مذکور، امکانات ورود پیشمرگان را به شهر فراهم میکنند. ارتجاع فکر میکنند تا تحت فشار قرار دادن توده های زحمتکش میتوانند حمایت آن را از پیشمرگان رزمنده سلب نمایند

مهاباد ۵۹/۷/۲۱

هجوم وحشیانه به شهر

مردم قهرمان مهاباد، یک جاش را در مقابل فرمانداری و دو پاسدار را در مقابل بانک ملی به هلاکت رسانیدند. بعد از این واقعه، نظامیان مستقر در اطراف، شهر را با وحشیگری هر چه نامتر به توپ و خمپاره بسته و اعلام کردند که هیچکس حق خروج از شهر ندارد.

سقز ۵۹/۷/۲۱

مزدوران رژیم در کمین پیشمرگان قهرمان

پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت خلق کرد، در مسیر جاده سقز - سنندج در روستای "آدینا ن" عده ای از نیروهای ضد خلق را به کمین انداخته و آنها را بدون هیچ مقاومتی دستگیر نمودند. روز بعد، نیروهای سرکوبگر به تلافی این عمل قهرمانان نه پیشمرگان، به روستای

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

خاطرات يك سرباز (۹) بهار زیبای کردستان

۱۷ اردیبهشت : ساعت ۱۲/۴۵ ظهر

امروز جنب و جوش زیادی در میمان به چشم میخورد. هلیکوپترها از بی هم پرواز در میان میبندودن این حال هلیکوپتر تیر خورده است که پشت سر هم بر زمین می نشیند. از صبح تا حالا دو هلیکوپتر از کافتاده است. غلبا نه خبر می آوردند که ۱۸ نفر از سربازان گروهانی که روز قبل به بیانه رفته بود، گروهی که گرفته شده اند و خیلی ها کشته و یا زخمی شده اند اما تپه ها تخریب پذیرند یکی از زخیمانها از رفتن به بیانه سرپیچی کرد. وضع در هموبر هم است. زمزمه های وجود دارد که میباید قله را بمباران کرد! پیشمرگه ها جانانه می جنگند و بمباران تنها راهی است که برای ارتش و پاسداران باقی میماند. استفاده از کشته ترین ابزارها برای سرکوب خلقتی که شجاعانه می جنگند. کشتار، کشتار! اما با زهم موفق نیستند. پشت سر هم سرباز زخمی می آورند گوشت دم توپ زیاد است. زحمتکشان که میتوان به اجباری "آوردن" اما روزی خواهد رسید که زحمتکشان در مقابل اجبارهای میبندند. آنگاه خود ارتشی خواهند شد و نیرومند. ارتشی که پشت سر ما بیاداران را به لرزه می اندازد.

ساعت ۲ بعد از ظهر

فرمانده پاسداران، اوشریف به پاسداران سزآ آمده است. اولحظاتی قبل برای پاسداران سخنرانی کردیم تنها توانستیم که پاسان سخنرانی اش را بشنوم. اومیگفت: اگر منطقه را بگیریم دیگر نسه هیئت حسن نیت می شناسیم و نه هیئت مذاکره کردستان را زیر نظر خود می گیریم به ارتش اعتماد نمی کنیم خود با قاطعیت اینجا را خلع سلاح میکنیم!

جالب است ارتش و پاسداران با همه رقابت ها و عدم اطمینانهای که به هم دارند در کشتار و سرکوب خلق کرد با هم هماهنگی دارند و وحدتشان برقرار است! اکنون هم فرماندهان ارتش و هم فرماندهان سپاه پاسداران طرفدار شدت عمل در کردستان هستند یعنی ادامه کشتار، یعنی شدت یافتن سرکوب! شنیدن حرفهای فرمانده پاسداران، احساسات نامطوعی در قلبم ایجاد میکند. از فکر اینکه فردا پاسا روزی دیگر در راه این هدفهای شوم خواهم مرد، فشار بیشتر و بیشتری در قلبم حس می کنم. نگران و مضطربم. دندان دردمان فاه شده و کلافه ام کرده است.

۱۸ اردیبهشت

فرمانده به فکر افتاد که با آموزش ارتش را تا ماهه ترکند. اما دهه برای کشتار مردم! امروز

با چشم باز در افق خونین کردستان



از صبح تا ظهر آموزش رزمی و انفرادی می دیدیم بعد از ظهر با یکی از جبهه های این پاسداران صحبت کردم. از خلال صحبتها پیشاوضاع سفر را دریا فتم پیش از ورود ما و در واقع در همان زمان که در سنج جنگ درگیر بود. در اینجا هم درگیری شدید بوده است. از ارتشی ها بیش از ۴ نفر در این درگیری کشته شده اند از آن سونیز تلفات زیاد است مردم بیرحمانه کشته شده اند، اجساد در شهر انباشته شده و بوی تعفن شهر را فرا گرفته است یورش آنچنان بوده که اکنون دیگر خانه های سالم باقی نمانده است. باقی مردم خانه و کاشانه اشان را ترک نموده و کوچ کرده اند. بهتر بگویم، آواره شده اند. در شهر حتی یک نفر هم نیست. اکنون شهر در دست ارتش و پاسداران است! شهر که نه، درو- دیوار شهر!

چهار توپ سرفرازانهای میکنند نیرو - های مسلح جمهوری اسلامی! می کشند. غارت می کنند. خلق را آواره میکنند و اسمش را میگذارند: جها در راه خدا! چقدر نفرت انگیز است که از اعتقادات و مذهب مردم اینطور سوء استفاده میشود.

۱۹ اردیبهشت

بیشتر ساعتان به تماشای پرواز هلیکوپترها میگذرد. امروز بعد از ظهر تعداد هلیکوپترها افزایش یافته است، ارتش و پاسداران در زمین نمیتوانند جنگ را به پیش ببرند سنفساده از نیروی هوایی هر چه بیشتر در دستور قرار میگیرد پیشمرگه در خاکش، عاشقانه می جنگد و راه پیشروی اینان را سد میکند. سپس از هوا آبرو، بر مردم زحمتکش کردستان، آتش میبارند تا بدان پیشان در آورند.

دیشب بین افراد بحثی در گرفته بود. چند نفر از سربازان عقیده داشتند که کردستان را باید از نوشم زد و تمام آن را با خاک یکسان کرد! سرباز حرف میزد و توده مردم کرد را لای چرخهای تانکشن نمی دید که با خاک شخم می خورد، لسه میشوند، کشته می شوند و آواره میگردند. آری او اینها را نمی دید. زیرا مغزش را با دروغهایی از قبیل "جنگ با کفار و... بر کرده و بجای آن این افکار ضد انسانی را در آن کاشته اند. بدتر از همه این است که مخالفت کردن با این حرفها نیز مشکل است به محض مخالفت یک مارک "کمونیست" و "منافق" بر روی شخصی می چسباند و کارش تمام است. به درجه داری که بخاطر حرفها بیم مسرا "کمونیست" می نامید گفت: "ما باید انقلابان را ادا میدهیم و آن را به پیروزی برسانیم. نه آنکه دهانمان را ببندیم و حقایق را نگوئیم." آیا میروید م.خ. ت. هینینی درستگ!

(ادا مهارد)

این سطور است از شعر "از یافا به کردستان"، که آن را شاعر شهید عراقی احمد ابونفال معروف به "روشن دربار" در کردستان عراق سروده است. او بدست جلادان یعنی پس از شکنجه های سخت در زندان به شهادت رسید. شعر را از دیوان او بنام "با زکشت پیروز مندا نه برنده بلشویک" برگزیده و ترجمه کرده ام:

از یافا به کردستان (۱)

ایست!

ای کشتی های سکوت و سازش،

اینک میهنی را یکبار چه بخون میکنند.

و آنگاه که محرای گسترده

بین کردستان و فلسطین

این دورا بهم میبندند

به مسیحی و احمدیاند که بر صلیب اش کشیده اند

بشکنید این جامهای سبزا

ای خوابزدگان!

وازیبا هگا ههای غارمانندتان

بدرآشید!

گوش کنید: اینک خمپاره ای

در تبیبه (۲) منفجر شد

که نیمه دیگرش را در "وزک" (۳) یافتند

و بمبی بشکل اسباب بازی

کوئکی فلسطینی را کشت

اما کوئک کردستانی به آن دست نزد،

زیرا

ده سال است که با آن آشناست.

زبتونهای کردستان از لایبای دیوار سرنیزه ها

سربخواهد آورد

و خویش را در طبقی ساخته از

بال "پرندگان مرگ"

به شما تقدیم خواهد کرد

.....

(۱) - "یافا" شهری در فلسطین اشغالی است.

(۲) - شهری در جنوب لبنان که همواره در معرض حمله صهیونیستهاست.

(۳) - "وزک" در کردستان عراق که بارها مورد بمباران قرار گرفته است.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

اقدام مثبتی از آنها بخاطرندارتدبسیار ساده - ترا زهیتت خاکمه های فدخلقی است که قبلا انقلابی بوده واستحاله یافته اند ویا مثلا تبلیغ ارتداد رویزیونیسم حزب توده یا تبلیغ ارتداد فدائیان (اکثریت) در میان هواداران نشان که سابقه انقلابی فدائیان (اکثریت) (قبل از تبدیل شدن به عامل بورژوازی) در ذهنشان وجود دارد، تفاهت و بیاجیدگی هائی دارد.

لنین در هنگام مبارزه با "چپ رو" های انترناسیونال دوم، در بحث مربوط به لزوم تبلیغ مواضع کمونیستها حتی در باره رمالمانهای ارتجاعی از طریق شرکت در آنها میگفت: "تصور نشود آنچه برای ما کهنه شده است، برای طبقه، برای توده ها هم کهنه شده است." (۲)

لنین تجربیات توده ها را بحساب می آورد و به این خاطر حتی به کمونیستها توصیه میکرد که در اتحادیه های زرد نیز شرکت کنند. استالین، چه زیبا میگوید:

"ما باید توجه داشته باشیم که، چه بسیار تجربیات توده ها که اکنون کهنه و بی - ارزشند و چه احساساتی که ناپسند و مخالف مصالح انقلابند، اما اگر ما اهمیت عظیم بحساب آورده این خلق و خوی توده ها را در امر گرانقدر تبلیغ نشاناسیم، مبلغین خوبی نخواهیم بود."

انحرافات رویزیونیستی و آثارشستی در مورد شناخت نقش احساسات توده ها در تبلیغ

- رویزیونیستها طبیعی است که نمیخواهند خشم و اعتراض توده ها، آنگاه که نه بزفسرما به - داران نطفیان کند، آنها میکوشند همچون دیگر طبقات استعمارگر، بر غرایز ناپسند توده ها (رکود و تسلیم...) سوار شوند. آنها در مقابل این غرایز بسجده میکنند و نطفیان توده ها می - هراسند و میکوشند مانع آن شوند، حتی زمانیکه خشم توده ها خود بخود نطفیان میکند و کمونیست - ها موظفند در غین حال که این خشم و نطفیان خود بخودی را تحسین و تائید میکنند، آنها را با آنگاه بیامیزند، این دشمنان سرخسست کمونیسم میکوشند آب سردی بر روی احساسات انقلابی توده ها بریزند. آنها روحیه ترس و زیونی و اطاعت از بورژوازی را تبلیغ میکنند، بخاطر داریم که چگونه حزب خاش توده در مورد قیام خونین بهمن ۵۶ تبریز، نفرت خود را از بهیسا خاستن و نطفیان خشم توده ها ابراز داشت. حزب توده، لهیب آتشفشان خلق را که نهادهای سرما به داری و وابسته را میسوزاند، به سا و اکیها و ارازل و واباشی نسبت میداد که میکوشیدند تظاهرات مسالمت آمیز و قانونی! (قانسو) آریا مهری! مردم را بهم بریزند. (۳) و یافدائیان در بحبوحه یورش رژیم به ترکمن صحرا و کشتار خلق بجای تبلیغ مقاومت مسلحانه در میان توده ها

- شی که در دوران انقلابی بسر میبردند - تبلیغ و ادادگی و انفعال سیاسی برداختند و توده ها را به عقب کشیدند. در حالیکه کمونیستها به استقبال روحیات انقلابی توده ها میروند و میکوشند تا آن را با علم انقلاب درهم بیا میزند. کمونیستها در مقابل غرایز توده ها تعظیم نمی - کنند، آنها می شناسند تا جها منفی اش را با تبلیغ درهم کوبند و جها مثبتش را بیدار و هشیا زگردانند.

- آثارشستی بظا هر احساسات انقلابی توده ها را میستایند و در تب و تاب آن میسوزند، اما نمیدانند چگونه این روحیات انقلابی توده ها پدیدار میشود و علاوه بر آن هنگامی که این روحیات پدیدار شد، در مقابل آن تعظیم میکنند و نمی کوشند تا آن را با سوسیا لیسم علمی بیا میزند. رویزیونیستها در مقابل روحیه رکود و تسلیم توده ها تعظیم میکنند و آثارشستی در مقابل خشم و غضب خود بخودی توده ها! و در هر دو حالت آتشفشان شورا انقلابی توده ها بسا سوسیا لیسم علمی نمی آمیزد و سرما به داری را نشان نمی رود. آثارشستی درک نمی کنند که یکسری دلایل عینی و مادی برای پیدایش احساسات انقلابی توده ها لازم است و تا رسیدن توده ها به این دورا نهایی انقلابی با یستی در میان توده ها صورت نهد تبلیغ کمونیستی برداخت و آنها را حول مسائل ملموس نشان تهیه کرد. آنها نمی فهمند که بحران انقلابی است که روحیه انقلابی را در پی دارد. آنها تهیه توده ها را می خواهند، اما نمی فهمند چگونه باید توده ها را تهیه کرد و به اقدامات تهیهی مصنوعی پناه میبرند. لنین در چه باید کرد بخوبی وجهتاً به آگونومیستها و تروریستها (که دو وجه از رویزیونیسم و آثارشستی می باشند) را در این زمینه نشان میدهد. یکی در مقابل احساسات خود بخودی تسلیم و رکود لنگ میاندازد و دیگری در مقابل خشم آتشین خودشان و هر دو تبلیغ کمونیستی برای ارتقاء توده ها و بیدار کردن احساساتشان را راه میسازند. آثارشستی را بطه دیا لکتیکی میان تبلیغ و روحیات توده - ها را در هر زمان درک نمی کنند، آنها رشستی نمی فهمند برای آنکه روحیات توده ها را تغییر داد و آنها را بسوی انقلاب رانند با یستی این روحیات را شناخت و در تبلیغ بحساب آورد

آنها رشستی تبلیغشان در دوران رکود، اعتلا انقلابی و موقعیت انقلابی همیشه یکسان است. آنان به طوطی می مانند همیشه یکجور حرف میزند. احساسات توده ها چگونه است؟ مهم نیست توه توده ها در چه سطح است؟ مهم نیست چنین است که از توده ها منفرد میشوند و تنها مینانند، مسئله مهم در اینجا است که آنها رشستیها نه تنها روحیات توده ها را در نظر نمی گیرند بلکه در صد آگاهیه بخشیدن به احساسات انقلابی توده ها نیز نیستند. آنها سوسیا لیسم علمی را با روحیات انقلابی توده ها نمی توانند یا بقول لنین نمی خواهند در هم آمیزند. آنها

فقط فکرتبلیغ مصنوعی توده ها هستند - ک آنها رشست به آن قوزی بیچاره ای میمانند که شنیده است اگر جنها را خوشحال کنی، آنها قوز او را بر میدارند و قوزی ما هنگامی که به پدیدار "جن ها" میروند، بی آنکه روحیات آنها را بدانند شروع به رقص و شادمانی میکنند و چنین میشود که رئیس جنها که تنها فرزندش در آن روز مرده بود از فرط خشم قوز دیگری نیز بر پشت قوزی ما می نهند و "قوز با لاقوز" میشود.

فرا موش نکرده ایم که چگونه معتقد به مشی چریکی در دوران رکود، اعتلا و موقعیت انقلابی همچنان شعار میارزیم مسلحانه را تبلیغ میکردند و حتی الان هم میکنند! (گروه اشرف دهقانی بدون توجه به روحیات توده ها، کماکان شعار هسته های مسلح در همه ایران را میدهد) بی آنکه روحیات توده ها را در هر دورا در نظر بگیرند و بدین ترتیب در این دورا آنها از توده ها جدا می افتند و راه برای بدست گرفتن رهبری توسط طبقات غیر پرولتری باز میشود آثارشستی بجای توجه به روحیات توده ها، روحیات خود را در نظر میگیرند و آنها را مبداء حرکت خود قرار می - دهند. تبلیغ رویزیونیستی و آثارشستی هر دو در جهت جلوگیری از انقلاب پیروز مند پرولتاریا میکوشند. یکی توده ها را به زانده بورژوازی بدل میکند و دیگری انقلابیون را تنها و جدا از توده ها رها میکند.

پاورقی

- (۱) - نقل قول لنین از کتاب علم انقلاب لنین و روانشناسی اجتماعی آورده شده است.
- (۲) - لنین، بیامیاری کودکی چپ روی
- (۳) - نوید، ۹، اسفند ۵۶

بقیه از صفحه ۱۹ اطلاعیه ...
گسترش حافظ بنما بدو از این مهمترین جمع بندی گذشته خویش بپردازد و جا بجا به خویش را در جنبش مشخص کرده و چشم انداز حرکت خود را تعیین نماید خواست پاسخگوئی به نیازهای جنبش با توان و امکانات گروه همخوانی نداشت. دیگر در دوره فعلیتهای خرده کارانه سرسیده بود، اما گروه بی توجه بدین امر حتی اقدام به انتشار نشریه تبلیغی سیاسی میکند.
انتشار نشریه توسط رفقای گروه مورد اعتراض قرار میگیرد و بعنوان امری خرده - کارانه و در خدمت تشدید پراکندگی مورد انتقاد قرار میگیرد و به همین جهت انتشار نشریه از شمار ۲ متوقف میگردد.
در این زمان انتقاد به عملکرد گذشته و درک عمیق ترا ز ضروریات جنبش و باعدتشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی در شکل، افزایش مییابد، مرکزیت برای جمع بندی و تعیین سیاست مشخص آبنده، نشست کنگره گروه را فرا میخواند تا در رابطه باضعفای شکل و چشم انداز حرکت به بررسی و تصمیم گیری بپردازد. کنگره در سه زمینه به بحث میپردازد. (ادامه دارد.)



جنگ ایران و عراق و تشدید رقابتهای امپریالیستی

جنگ ایران و عراق به امپریالیستها امکان داد تا پیش از گذشته اسلحه‌های خود را بفروشند، رقابتهای تسلیحاتی فشرده‌تری انجام دهند و نفوذ و حضور خود را در منطقه گسترده‌تر نمایند.

اوضاع حساس منطقه آسیای جنوب شرقی و خلیج فارس و جاهای نفت آن نمی‌تواند مورد توجه امپریالیستها قرار نگیرد. اوچکیری مبارزات انقلابی در منطقه و بخصوص در ایران و رقابتهای امپریالیستی هر یک از جهان‌خواهان را و میدارد تا به تحریک نظامی سیاسی وسیعتری دست بزنند. در جریان جنگ ایران و عراق بود که امپریالیسم آمریکا چند فرونده هواپیمای آواکس به عربستان سعودی تحویل داد. این هواپیماها که در حقیقت هواپیماهای غول بیکر بوئینگ میباشند، تنها قادر است تمام منطقه را تحت کنترل و جاسوسی خود درآورد بلکه هواپیماهای جنگی نیز می‌باشند. آواکس که مدرنترین هواپیماهای جنگی غرب است و حدود دو بیست میلیون دلار قیمت دارد، قادر است با سیستم رادار خود موثکفائی را که در ارتفاع کم پرواز کرده و غالباً توانائی گریختن از کنترل رادارهای معمولی را دارند مورد تعقیب قرار دهد. این هواپیما بین هواپیماهای جنگی و اشیا "پرنده" دیگر فرق گذاشته‌ومی‌تواند با موثکفائی خود هواپیماهای حریف را از زمین ببرد. استقرار این هواپیماها در عربستان به امپریالیسم آمریکا اجازه می‌دهد تا در صورت تشدید درگیریها در منطقه و گسترش رقابت امپریالیسم شوروی به مقابله فعالتری اقدام نماید.

اما در برابر این اقدامات سوچسپال امپریالیسم نیز به مقابله دست می‌زند. در مقابل تحویل آواکس‌ها، شوروی نیز هواپیماهای تجسی بسیار پیچیده‌ای را در منطقه گسیل میدارد. این هواپیماها با سیستم‌های پیچیده راداری و اداری دستگاههای خبرگویی مجهز شده‌ومی‌توانند بر ارتباطات میان آواکس و سیستم

های راداری آمریکا و هواپیمای هاکاموس - اس - ۱۹۷۶ نظارت کنند. این هواپیماها که از نوع نوبولوف ۹۵ می‌باشند در یکا هپهای نظامی شوروی در منطقه استرا را یافته‌اند. به علاوه شوروی هواپیماهای فوق مدرن میک ۲۷ خود را نیز در منطقه مستقر نموده است.

در کنار این فعالیتهای امپریالیستی، اقدامات دیگری نیز در جریان است. در حال حاضر ساندنا و کاسترو، آمریکا، انگلیس، فرانسه، استرالیا که در خلیج فارس واقعا سوس هستند مستقر می‌باشند. منظور فعال با یکدیگر در حال مورت بوده و اطلاعات جاسوسی و تکنیکی مربوط به حرکت ناوها را با یکدیگر مبادله میکنند.

اما قدر آن در شرایط فعلی یک نیروی رزمی ناوگان هفتم امپریالیسم آمریکا و یک نیروی صربنی انگلستان در حال انجام سور مشترک در سواحی مرکزی و شمال غربی آسیای جنوب هستند. در این مانور ۲۵ کشتی جنگی ۱۷۰۰ هواپیما و ۱۸ هزار پرسنل نیروی دریا با سی شرکت دارند. شوروی نیز اخیراً نیروی دریایی خود را تقویت کرده است. ناوگان جنگی شوروی در آسیای جنوب هند مرکب از ۲۶ تا ۲۸ ناو است که ۱۴ تا ۱۶ فروند آن کشتی جنگی میباشند و ما بقی آن جنبه پشتیبانی دارند. از جمله کشتیهای پشتیبانی ۵ زیردریایی است که سوخت ۳ فروند آن هسته‌ای هستند.

در واقع امپریالیستها اگر ارکس می‌کوشند تا در رقابتهای متقابل خود موقعیت امپریالیستی اتان را در منطقه خلیج تحکیم نمایند از سوی دیگر پیش از پیش خود را برای مقابله با جنبش خلقهای منطقه آماده می‌نمایند. اما ...

دادند. اما بورژوازی حاکم در پی اجرای این امتیازات نبود و به همین خاطر تمام کارگران لهستان بعنوان اعتراض به خودسری دولت بطور سمبولیک دست به یک اعتصاب بیک ساعت زدند. در برابر این فشار، روزیونیستهای عوام فریب به رهبری استانیلاوکا نیا دبیرکل جدید حزب دویا ره قول میدهند که دولت به وعده‌های خود وفا خواهد کرد.

اما آیا بورژوازی به خواست طبقه کارگر براحتی گردن می‌نهد؟ هرگز! بورژوازی هر دمی را که زرفرا رجنش نبوده‌ای به عقب برده‌ارد، به تنها جم‌جدیدی علمه پرولتا را تبدیل خواهد کرد فقط با سرنگونی بورژوازی است که پرولتا را به خواستههای طبقه‌اش خودنا ثل میاید. اما مسافانه طبقه کارگر لهستان از یک رهبری کمونیستی و قدرتمند بدور است. مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان در دوره اخیر اگر از یک سو بیان حقانیت نیروی پرولتا را برای این کشور علیه بورژوازی حاکم میباشند، از سوی دیگر نشانگر آن است که این مبارزات فاقد یک رهبری کمونیستی و بیروزمندی میباشند و پرواضح است که این ضعف اساسی امکان میدهند تا جریانات بورژوازی بر جنبش کارگری سوار شوند و آن را به انحراف بکشانند در این ارتباط واقع اخیر در لهستان درس آموز است: در واقع از جمله جریاناتی که در جنبش کارگری لهستان نفوذ دارند "کمیته برای دفاع فردی و اجتماعی" (کر KOR) میباشند. که در سال ۱۹۷۰ بعد از سرکوب و کشتار کارگران توسط روزیونیستها به رهبری "گومولکا" بوجود آمد. این کمیته دارای ترکیب ناهمگون بوده و در درون آن روشنفکران بورژوا - لیبرال نیز وجود دارند. در واقع از ابتدای اعتصاب تا این کمیته کوشش کردند تا مبارزات کارگران به یک مبارزه انقلابی علیه حکومت تبدیل نشود و از شکل مسالمت آمیز خود فراتر نرود و علاوه خواسته‌های این مبارزات به درخواستهای صنفی و سیاسی معین محدود باقی بمانند. علاوه بر این توجه به نفوذ افکار مذهبی در میان کارگران که بیان بیک دیگر از خیانتهای روزیونیستها بشمار میرود، کلیسای کاتولیک کوشش کرد تا از این زمینه ذهنی سود جست و کارگران را به آشتی و صلح با بورژوازی حاکم بکشاند و روشن است که کوششهای جریانات بورژوا - لیبرالی فوق و روحانیون مرتجع در میان کارگران بی اثر نبود: این جریانات کوشیدند تا با کسب امتیازاتی چند، مانع از پیشروی با زهم بیشتر جنبش گردند و در میان کارگران افکاری ارتجاعی مانده‌اند از ادای فعالیت کلیسائی و "دمکراسی" را و آج دهند.

طبقه کارگر لهستان در مبارزه علیه بورژوا - روزیونیستهای حاکم دنبال دمکراسی گندیده بورژواشی نمی‌باشد. او از ستم طبقاتی بورژوازی حاکم به ستوه آمده و به مبارزه برخاسته است. خواست حقیقی پرولتا یا استقرار سوسیالیسم و دمکراسی پرولتاری از طریق یک انقلاب اجتماعی طبقه در صفا ۲۹

لهستان: مبارزات کارگران و وظایف کمونیستها

در ماههای اخیر اعتصابات و مبارزات کارگری لهستان را الرزاند و حکومت بورژوا - روزیونیست این کشور را دستخوش بحران نمود. فشار این مبارزات حق طلبانه منجر به برکناری ۱۴ عضو کمیته مرکزی حزب، برکناری "ادوارد بابیوج" نخست وزیر و سقوط "ادوارد گبرک" دبیرکل روزیونیست حزب گردید. کارگران با انکاب به مبارزات خود توانستند رژیم ارتجاعی حاکم را به عقب نشینی وادارند و متنازاتی بجنبش آوردند. از جمله این امتیازات حق انتخابات جدید در اتحادیه‌های تمام کارخانجات با رای مخفی و تعداد کاندیدای نامحدود، حق اعتصاب حق تشکیل اتحادیه کارگری مستقل برسمیت شناختن "کمیته مشترک اعتصاب" از طرف دولت و... بود. بدینال این عقب نشینی واپس امتیازات، کارگران به اعتصاب خود پایان

جان کارگران در شیفیت شب کاری در خطر است!

کارگران مبارز!
چنگی که تا زنده است، چنگ سرما به داران و رژیمهای ارتجاعی حاکم بر ایران و عراق می-باشد که زحمتکنان هیچگونه منافعی در آن ندارند! سرما به داران و رژیم، کارگران را بنام "دفاع از میهن" به کار بیشتر تشویق میکنند و حاصل کار آنها را بیعاریت میبرند. سرما به داران را الوصف و رژیمهای آنها بیشتر نامه در حالسی که شبها خطر حمله هوایی وجود دارد در بعضی از کارخانه ها کارگران را در کارخانه ها میگردانند تا به تولید ادامه دهند، و بالطبع مقاصد سرمایه خا موشی اجرا نمیگردد. جان کارگران در شیفیت شب کاری در خطر است. اما رژیم و سرما به داران به آن توجهی ندارند و تنها بکریستال خودشان هستند! شیفیت شب کارها که خطر حمله هوایی وجود دارد باید با پرداخت کامل حقوق تعطیل گردد! برگشت شماره ۹۳

نکاتی درباره مبارزات کارگران پوشش

کردند، عده ای از کارگران خوش خیال، فریب حسنی را خورده و به امید آنکه آنها بندگان نشان را برگردانند دست روی دست گذاشتند. غافل از آنکه او خود، آنها را اخرج کرده و عنصری ضد نازکراست. ثالثا زمانیکه کارگران بطرف شهر را هیمنائی کردند، عده ای از آنها مانع ادامه حرکت شده و مسئله حمله بازاریان را طرح کردند. در صورتیکه کارگرانیکه از باسداران ۳ بدست هیچ ترسی ندارند، چگونه از منشی مفت خور بازاری بترسند؟ آن گذشته برای برقراری اتحاد کسترده و جلب حمایت سا بر کارگران و مردم شهر می بایست حرکت ادامه می یافت.

با شد که از حرکتها اشتباهان درین بگیریم و با حفظ هوشیاری و همبستگی خود، با اتکا به اتحاد سراسری طبقه کارگران مبارزات به حقیقت را پیش ببریم.

با کمی تغییر بنقل از "پیک پوشش" شماره ۱۱:

سیاست سرما به داران و عواملشان همیشه این بوده و هست که برای به ننگت کشانیدن مبارزات کارگران و ادامه چپا و لنگری و بهره کشی خود، در صفوف کارگران تفرقه بیندازند و از متشکله شدن آنها جلوگیری بعمل آورند. لذا توطئه های رنگارنگی بکار میبرند و بنا استفاده از ناآگاهی بخشی از کارگران، جلوی حرکت متحد و استوار آنها را میگیرند. بنام بر این سا کارگران با بیست مبارزات خود را آگاهانه و با هوشیاری تمام به پیش ببریم تا مبارزات در درام توطئه های سرما به داران بیهوشیم. در کارخانه پوشش چندا شبانه از جانب کارگران موجب ضرب و زدن به مبارزه - تان شد: اول اینک که زمانیکه کارگران کارخانجات دیگر را زجمله کنند کاروا بر بر بر بر بر بر بر کارگران احتیاج داشتند، عکس العمل هدی از سوی کارگران در کارخانه پوشش عمل نیامد - تا نیا زمانیکه نمایندگان کارگران را اخرج



کارگران مبارز شرکت فلور اصفهان همچنان میزومند

شرکت فلور که بیجا شرکت نفت بود... بعد از رکارا فرما با نشت در جریان قیام شروع به اخرج کارگران میکند. اما بعلت بالا بودن روحیه مبارزاتی کارگران موفق بدایس کار نمی شوند آنها خواستار آنند که به استناد مدائمی شرکت نفت درآیند و در پروژه - های که شرکت نفت در نقاط مختلف دارد کار کنند. اما ماهی مبارزه بین کارگران و دولت به آنجا کشید که دولت در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ رسماً اعلام کرد که کارگران "فلور" حق ورود به کارخانه فلور دارند و در وقت کار با شرکت میبایست در دست بچش با لایسکا کار کنند. اعلام این موضوع سبب خشم شدید کارگران فلور گردید. کارگران بدرستی منگونی که: "ارکارا فرما می شرکت نفت گرفته ما اسناداری، فرمانداری، اداره کار و... همگی دست سکی کرده اند ما را اخرج نما شد و اگر رژیم در طول این سال با تمام دور و کلکپانی کرده سواست ما را سرکوت کند، حالا با استفاده از دست ایران و عراق میخواهد ما را وادارند به ستم کند و بعد ایران و عراق چنانی عده برای سرکوت کردن اگر دولت بخواهد دست بردارد - جزایا رژیم عراق را وادار ما سرانجامی - چنانی فرستادن - چینه سندانند - دست و چگونه است که در - در

ورحمتکنان میداند دولتی با کارگران و زحمت - کشان هیچ وقت نمی تواند کنار بیاید چون با بدکاران و زحمتکنان را استثماً سرکوت کنند تا به حکومت بیوفالی خود ادامه دهند. به همین جهت هم هست که رژیم ایران لبه تیز حمله را منوجه کارگران و زحمتکنان می نماید و در کنار آن به بیساران و حنیای زحمتکنان مهاداد و... ادامه میدهد.

آری! دوستان کارگر! ما با ایداز اعمال رژیم ضد کارگری درس بگیریم و همما نظور که رژیم دست به تنها جو سرکوت بکند چه بر علیه زحمتکنان و... میزند ما هم با ید بطوریکه چه و متحسد صفوف خود را استوار و مستحکم نماشیم و در بین خودمان هما هنگی بیشتری برقرار رکنیم تا رژیم و کارفرما نتوانند از این نا هما هنگی بنفع خود استفاده نمایند. پس:

بکوشیم با یکدیگر چکی تمام توطئه اخرج کارگران مبارزان را خنثی کنیم!
بسی کمی تغییر بنقل از اعلامیه سازمان
بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - حوزه اصفهان

موقعی که هوا بیما های عوامی بچ کسوش یا لایسکا، ماهی شهر را بیساران میکنند و ضد هوایی های ارتش که با لایسکا را محاصره کرده - اند حتی یک تیر هم خالی نمیکنند دولتی سربازان مسلح اینجسین مرافق کوچکیس حرکت مسا کارگران اخرجی که در کارخانه یا لایسکا - حص کرده ایم، هستند. به، بیپوده دولت ما را ارسبازان و با سداران تترسا نما از این خبرها خیلی دنده ام. مگر ارساهی بالاتر هم ریکی هست؟ نامی برسیم و میخواهیم که همین جا: تکلیفمان را روشن کنیم".

دوستان کارگر!
همانطور که شما ندانسی به ما هیت ضد کارگری رژیم کبسی برده اید و بخوسی آگاهید که رژیم ارساره کارگران و زحمتکنان بیشتر میترسد سا رژیم ارجاعی عراق و اگر امروز را بطه رژیم ایران و عراق سرکوت شده فرادا میباید سدابا هم کار ساند چون هر دو رژیم مردم اند و هر دو از یک نما سد و هر دو دشمن واقعی خود را کارگران

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست پاسخی به لاطائلات روزنامه اطلاعات

نما بندگی از حزب جمهوری اسلامی وکل رژیم طی، نطق خود در آمریکا، فقط منتظر آن است که آمریکا توبه "ش را روی کاغذ بیاورد و در گورنه عملا توبه کرده است و میگوید که آمریکا با این توبه" تکامل معنوی" میباید، و با این حرف درک بسیار رنازل و عامیانه از (و در واقع سازش طبقا تی خودی) امپریالیسم آمریکا را بنمایش میگذارد، از کسانیکه با کوشش و توطئه در راه صدور انقلاب خود نشان دادند که به تخریب انقلاب خلقهای ایران بسنده نمیکنند، بلکه در تخریب انقلاب دمکراتیک دیگر خلقهای منطقه هم مصمم هستند،

از کسانیکه آری ما از چنین حاکمیتی که نه نما بنده زحمتکشان، بلکه نماینده منافع طبقات و اقشار عقب مانده است انتظار داریم جز این نداریم. دشمن طبقا تی خود را خوب تشخیص میدهند غریزه طبقا تیشان چنین حکمی را ما دیکند که در سرقا له ای دیگر نوشته اند "ایشان را با بد از دم تیغ گذرانند..."

آری هر کارگر و زحمتکش ایرانی و عراقی که به عواقب مصیبت با این جنگ بین دور رژیم ارتجاعی نگاه کند چاره ای جز محکوم کردن آتش افروزان ندارد، شما چرا از ویرانیها و کشتارهایی که بر علیه زحمتکشان عراق بوجود آورده اید سخن نمیگوئید مگر خلیانان شما نبودند که وقیحا نه در تلویزیون میگفتند:

"هدف را چنان نشان ندهیم که "عمله ها" ی عراقی که جا ده را ماف میگردند فرصت دور انداختن بیل و کلنگشان را نکرده اند" چرا از آنها سخن نمی گوئید؟ مگر همین خلیانان "عفو خورده" شما نبودند که پس از بمباران شهرهای عراقی مصاحبه میکردند و خود را "کریبلانی" مینامیدند؟

رژیم ضد خلقی و خونخوار عراق را ما پیوسته افشا کرده ایم و مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی عراق بر علیه رژیم عراق را با تمام وجود تا شیدمی نمائیم. مبارزه ما با ارتجاع منطقه منجمله رژیم صدام - حسین نه مانند شما از طریق حزب آمریکا کسی الدعوه و پیکار اسلامی، نه از طریق حمایت از فرزند آیت الله حکیم که خود پدرش مورد حمایت رژیم شاه و رژیمهای ارتجاعی عراق قرار داده بودند، نه

بقیه در صفحه ۲۱

"غسل تعمید" داده تا ترا "حر" نامیدند، از کسانیکه با سازش با امپریالیسم آمریکا، مانع اتفاموبه شورسیدن انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ایران شدند،

از کسانیکه نیروهای انقلابی درون ارتش و هافران قیامکننده ۲۲ بهمن را به "سزای جاسراتشان" رساندند و چون روح رژیم آوری در آنان سراغ کرده بودند، آنها را منفرد، تبعید یا پاکسازی کردند،

از کسانیکه پس از بر سر کار آمدن کمره مت به نا بودی نیروهای انقلابی و کمونیستی بسته و با همین اقدام خود ما هیت ضد انقلابی خود را آشکار نمودند،

از کسانیکه ما میاید آمریکا در سرکوب چپ هستند و با وجود این خود را "قدا امپریالیست" مینامند،

از کسانیکه در برابر سزای نظام سر ما به داری و ایستادگی از منافع زمینداران بزرگ هر چه از دستشان برآمده انجام داده اند،

از کسانیکه تمام حیل و ترفندهای خود را برای بازگرداندن ایران به عصر مشروعه شیخ فضل الله بکار بردند و قانون اساسی ضد انقلابی خود را در مجالس قلابی و در سایه توهمات توده های نا آگاه و به تصویب رساندند و "ولایت فقیه" را چون کلاهی گشا در سر مردم ایران گذارند، از کسانیکه با اصطلاح من در آوردی "ملت مسلمان ایران" هموطنان شرافتمند مسیحی و غیره را حتی ایرانیان نمیدانند و از این هم بالاتر با اصطلاح "جملی" "ملت مسلمان فلسطین" مسیحیان آن سرزمین را فلسطینی نمیدانند و با این اقدام خود در حالیکه هیچ کاری بسرای فلسطینی ها نکرده اند به وحدت ملی آنان فریب میزنند،

از کسانیکه سرگردانهاشان مثل آیت الله دستغیب (شیراز) و خا منه ای (تهران) و دیگران مردم بی پنا دهوزستان را که از توپ و مسلسل و بمبارانهای ناشی از این جنگ ارتجاعی فرار کرده اند خا شن مینامند، و میگویند بندها خا نه ندهید و به آنها چیزی نفروشد،

از کسانیکه با اقدامات ضد انقلابی خود زمینه ساز زکودت و قتل لیبتهای ارتجاعی اویسیها و یختیارها شدند،

از کسانیکه نخست وزیر مکتبی شان، به

سرقا له روزنامه اطلاعات مورخه ۲۷ مهر به فحاشی، کینه توزی، دروغبافی و تهدید علیه سا زمان ما اختصاص یافته است. مورد حملیه دشمن - ارتجاع - قرار گرفتن فی نفسه چیز بدی نیست، نشان دهنده آن است که موضع گیری ما درست روی نقطه حساس در دست گذاشته و ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم را از بسزیه بیرون کشیده است.

بدنبال درگیری جنگ ارتجاعی بین دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق ما موضعی اتخاذ کردیم که منکی بر درک ما هیت جنگ، ما هیت طرفین جنگ و قضاوت در باره آن از و با یگان جنگ از دیدگاه منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میباید. این یک نقطه عزیمت کمونیستی است که ما کوشیده ایم در موضعگیریما در قضاوت این جنگ ارتجاعی از آن حرکت کنیم.

روزنامه اطلاعات که یکی از بوقهای تبلیغاتی در دست ارتجاع حاکم است با منطق فحاشی و دروغ و خط و نشان کشیدن با موضعگیری ما بر - خورد کرده است. آیا منطقی استدلال تر و قانع کننده تر از دشنامهای زیر جهت مقابله تبلیغاتی با نیروهای انقلابی در دست ارتجاع هست؟ توجه کنید:

"گروهک وحشی که شاه" کاری دیگر بسیار آورده، "در خباثت و بی شرمی سنگ تمام گذارده، "فاحشه های سیاسی مزدوری که آمریکا آنها را به مزایا بده گذارده است، "ما جرجویانی که بنوعی ما رکیسیم - لنینیسم لانت! و گانگستری! ایما ن آورده اند، "پادوهای آمریکا، "خا شنان شما ره بک و... و..."

این ناسزاها که نشان کینه طبقا تیبی مترجمین بقدرت رسیده علیه کمونیستهاست ما را بهیچوجه نگران نمیکند، ما از کسانیکه زمینه این جنگ را فراهم آورده اند و در اینجا دجهنمی سوزان که توده های زحمتکش ایران و عراق و سر ما به های ملی دو کشور را به آتش میکند سهیم هستند، انتظار داریم جز این نداریم.

ما از کسانیکه به کشتار ما مدهکده قارنا و کاشی ما مسید و قه لاتان آفرین گفتند، از کسانیکه کشتار کارگران در و دو اندیشک را تا شید کردند،

از کسانیکه اعلام دروغین روز قدس و حمایت از فلسطین را بهانه ای برای لشکر کشی به کردستان قهرمان نمودند،

از کسانیکه فرما ندهان ارتش آمریکا شایه را در پستهایشان ابقاء کردند تا ارتش سرکوبگر خلقهای ایران وظفا را برای سرکوب در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا همچنان حفظ کنند،

از کسانیکه همین فرما ندهان را یک شبیه

رژیمهایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

نگاهی به : جنبش کمونیستی در عراق و خیانت روپیونیستها (۱)

"مالح جبر" را که آن قرار داد سنگین را امضا کرده بود پیروز مندا نه سرنگون ساخت و آن قرار - داد را لغو کرد. سطرهای از گزارش یک مورخ را در این باره در زیر میا وریم:

"نه آنش گشودن پلیس بسوی اجتماعات سودی بخشیدونه با زداشت انگیزندگان ن توفان (بیشترشان کمونیستها) زوز ۲۷ ژانویه نما بشهای خیا با نی به اوج رسید. در اتروز ۷۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند..."

پس از سقوط دولت، با زهم بحران ادامه یافت تاریخ نگار را دامه میدهد:
"در تشیع جنازه‌ها تشویبانی که در آن روزها کشته شده بودند بیش از یکمدهزار نفر شرکت جستند و سخنرانان احزاب، خواستار لغو همیشگی پیمان همکاری با انگلیس شدند. در روزهای بعدی همانند کارآمی در اوضاع پدید میامد. خیا با نهی بغداد ما لامال از جمعیت بود مردم عملاً کنترل با بتخت را بدست گرفته بودند. بزچما و پلاکاردهائی که بر آن شعارهای میهنی نوشته شده بود همه جا موج میزد. تقسیم اراضی میان همه مردم و نابودی بیگانگان" (۲) (از کتاب "در خاور میانه چه گذشت؟")

پیروزی کمونیستها در رهبری تظا هرات کارگری و توده‌ای و شرکت تعیین کننده آنان در قبا مهیای خلق، تاشیرات قابل ملاحظه‌ای در رشد جنبش انقلابی و کمونیستی در دیگر کشورهای عرب نیز بزجای گذارد. (۳)

یکی از چهره‌های بارز جنبش کمونیستی عراق، رفیق شهید فهد میبا شد که در همان سال ۱۹۴۸ دستگیر و همراه با دوتن دیگر از همزمانش اعدام گردید. او از بنیانگذاران و نظریه‌پردازان حزب بود و موضوعگیری انقلابی او در قبال مساله ملی اعراب علیه صهیونیسم و مساله فلسطین، حزب کمونیست عراق را در بین احزاب دیگری در جهان عرب، که خود را کمونیست مینامند متمایز میسازد.



ادامه بحث را در شماره آینده میخوانید.

پاورقیها

(۱) - در مورد میزان رشد سرمایه داری در عراق که برای مقاله حاضر نیاز به اهمیت هم داشته است، متأسفانه منابع قابل توجهی در دست نداریم.

بقیه در صفحه ۲۰

نشانند. تحت الحمایگی عراق که تا سال ۱۹۵۸ طول کشید با رها بوسیله پیمانهای دوجانبه بین انگلیس و دولت دست نشانده اش در عراق و به دستبازی مزدورانی چون "توری سعید" تحکیم شد، مثل پیمان ۱۹۲۲ و پیمان ۱۹۳۰ و پیمان پورتسموت ۱۹۴۸.

کمونیستها بپیشاپیش دیگر نیروهای مبارز دینینه مبارزه ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و نیز در راه از بین بردن عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی حرکت میکردند. علیرغم آنکه حزب چند ماه پس از تاسیس در معرض ضربه قرار گرفت، توانست در قبا مبره شرکت فعال نماید. حزب تظا هراتی نیز در ژوئیه ۱۹۳۷ در حمایت از خلق فلسطین بر پا کرد، تظا هراتی که در شرایط سرکوب و خفقان شدید دوران "توری سعید" در مقا بله با توطئه های شوم امپریالیستها ی انگلیسی در فلسطین تاشیرقا بل توجهی در جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عرب بزجای میگذاشت.

در همان سال است که کمونیستها طی برنامه ای از ضرورت اتحاد خلقهای عرب و کرد سخن میگویند و شعار: "بر سر خره اتحاد خلقهای عرب و کسود، استعما ز درهم خواهد شکست" را مطرح مینمایند. حزب قبل از انقضا دا ولین کنگره سراسری خود بسال ۱۹۴۵ یک مرحله از مبارزه بدولت و یک راهپشت سرگزارده و در جریان کنگره توانست با تصویب اساسنامه و مرا منا مه حزب بین منافع طبقه کارگر از یکطرف و مبارزه ملی از سوی دیگر پیوند محکم برقرار کرده، تلاش خود را برای ارتقا آگای، سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر متمرکز نماید. حزب توانست در تحکیم صفوف طبقه کارگر بکوشد و اساساً با کارگران نفت در سال ۱۹۴۶ که دو هفته طول کشید و ۱۶ کشته و تعداد زیادی مجروح بزجای گذاشت، نشان دهنده قدرت حزب در سازماندهی طبقه کارگر عراق میباشند. همبستگی توده‌ها با کارگران و فریادهای "مرگ بر خفقان و اعراب" تا شهر عمیقی برسیر جنبش کمونیستی عراق بزجای گذارد. توده‌ها در نتیجه این شوره مبارزاتی کارگران، اهمیت مبارزات سازماندهی با فتره را بهتر درک کردند. رژیم در مقابل، سرکوب مبارزین را تشدید کرد و وعده‌ای از کمونیستها را دستگیر نمود. این اقدامات و امضای قرار داد پورتسموت با انگلیس بسال ۱۹۴۸ قبا م توده‌ای ژانویه همان سال را بدنبال داشت. کمونیستهای عراق نقش بارزی در این قبا ملی بمعهدده داشتند. قبا می که سرانجام حکومت دست نشانده

در پی مقالات کوتاه‌هی که در شماره‌های گذشته آمدوبه ترتیب "اوضاع اقتصادی"، "جنايات واقعات ضد خلقی رژیم حاکم بر عراق"، "ظهور و سقوط حزب بعث" را به اختصار مورد بحث قرار میداده، در این شماره به جنبش کمونیستی عراق و در ادامه آن به نقش خیانت آمیز روپیونیستها میپردازیم و خواهیم دید که کمونیست "بهر کجا که روی آسمان همین رنگ است!"

۳۱ مارس ۱۹۳۴، یعنی ۴۶ سال پیش، حزب کمونیست عراق پا به گذاری شد. او جگیری جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عراق که از سال ۱۹۲۰ علیه انگلیس ها و عمال داخلی - شان ابعدا تازهای یافته بود و نیز نقش پیگیرانه و مجدانه طبقه کارگر و کمونیستها در جنبش انقلابی و دموکراتیک، زمینه ساز زدا خلی بنیانگسذاری حزب بود. همچنین پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثریت و استقرار نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی چشم اندازهای نوینی را از تئوری و پراتیک انقلابی و کمونیستی فراروی طبقه کارگر و پیش تازان آن در سراسر جهان منجمله در عراق - میگذاشت.

امپریالیسم انگلستان که پس از جنگ جهانی اول، میراث خوارا میرا طوری عثمانی شد، در سال ۱۹۲۰ به این کشور وارد گردید و عراق از جنگ عثمانی خارج نشده به صورت یکی از ایالات هند بریتانیا (تحت اداره نایب السلطنه انگلیس در هند) درآمد. فئودالها و بورژوازی وابسته (کمپرادور) عراق بزودی سلطه بریتانیا را پذیرفتند و با آن همکاری فعال نمودند... انگلیسیان به منظور تحکیم مواضع سیاسی خود، کمپرادورها (۱)، اشراف فئودال و قبایل و نیز (بخشی از روحانیت بویژه شیعیان) را در اداره کشور شرکت دادند و آنها را با دادن مقسری، مداخل و کمک مالی اغوا نمودند. (تاریخ عرب در قرون جدید، ص ۳۸۱ پرا نتزاول ازما ست)

بلافاصله بدنبال ورود انگلیسی ها به عراق (۳۰ ژوئن ۱۹۲۰) بمدت ۶ ماه شورش سراسری ادامه یافت. در این مدت جنگ داخلی سراسر عراق را فرا گرفته بود. انگلیسی ها با اعراب و کشتارهای دستجمعی، بازداشتها و تبعیدها و شکنجه‌ها سعی در خفه کردن جنبش خلق داشتند. این واقعه‌ای بسیار مهم و افتخار آمیز در تاریخ خلقهای عراق است. سیاست حیل گرانه استعماری انگلیس بابرکنار کردن فرمانده نیروهای انگلیسی در عراق و بیکارگماردن "روبا هی" بنام "سرپرسی کاکس" مقدمات ایجاد دیک حکومت سلطنتی تحت الحمایه را در این سرزمین فراهم آورد و بدین ترتیب فصل اول را که از خاندان سربرده "شریف مکه" بود بر تخت پادشاهی عراق

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

در چین رویزونیستی چه میگذرد؟ (۲)

کردن مبارزه طبقه کارگر است. رویزونیست‌ها شعار "چهارم رنیزاسیون" در پی سرنگونی پرچم سرخ بودند و اینک آنان پرچم سرخ را سرنگون کرده‌اند.

بر پایه این شی رویزونیستی باند تنگ - هوا بر نامه اقتصادی سرمایه‌دارانه خود را ارائه نموده و پیگیرانه آنرا بنا کرده‌اند. ۳۰ جلسه مجلس ملی چین که در ۶ سپتامبر سال پایان یافت گام مهمی در تعمیق خط مشی اقتصادی بورژوازی رویزونیستی‌های چینی برداشت. نکات اساسی این برنامه‌ها کدامند؟ رویزونیستی‌های چینی مانند باند خروشچف به رفرم‌های اقتصادی روی آوردند. آنان بر اساس این رفرم‌ها نقش برنامه ریزی مرکزی را نفی کرده و به بنگ‌های تولیدی استقلال‌دهنده دست زدند. در تصمصیم‌گیری‌های این اجلاس به صراحت مطرح می‌شود: کارخانه‌ها از این پس می‌توانند برای خرید مواد اولیه و هدایت تولید خود بدون رعایت معیارهای برنامه ریزی سالانه عمل کنند. بعلاوه این کارخانه‌ها تمام سودها را به دولت پرداخت خواهند کرد. نخواهند کرد زیرا آنها بخشی از سود را در دست خود نگاه خواهند داشت و بالاخره روسای صنایع اجازه دارند به رقابت پرداخته و کارگران را توسط پاداش بر پایه تولید به رقابت وادارند. رویزونیستی‌های سه جهانی در چین سو در احکام بر تولید نموده مدبران روسا بوروکرات‌ها و متخصصین بورژوا را احکام بر کارگران کرده‌اند و سیستم استثمار مزدوری را برقرار نموده‌اند. خائنین سه جهانی با نابودی دیکتاتور پرولتاریا سیستم بانکی چین را در ارتباط مستقیم با روسای بنگ‌های تولیدی قرار داده و مسئولین رویزونیست و بوروکرات کارخانجات را تشویق کرده تا در عملیات مختلف با بانک مانند سرمایه‌گذاری و وام‌بهره به معامله بپردازند. بر این اساس بورژواهای نوین دیگر لزومی نمی‌بینند از دولت کمک بگیرند بعلاوه شرکت مالی دولت در بودجه کارخانجات دیگر مجانی نخواهد بود. در ضمن بنگ‌های باید به دولت بهره بدهند. در ضمن در زمینه کشاورزی، کمون‌ها توده‌ای مورد نفی و انتقاد قرار گرفته و آزادی برای کشت خصوصی زمین دهقانان مورد تأیید اجلاس واقع شده است.

از دیگر تصمیمات حزب رویزونیست چین در این اجلاس به عبارتند از: اعطای خود مختاری بقیه در صفحه ۱۴

سیاسی آن یعنی رویزونیستی‌ها راست‌گراست کند و باید ست فراموشی بسپارد، شرایط سرگرد دیکتاتوری پرولتاریا، فراهم میسازد. در حقیقت وجود دیکتاتوری پرولتاریا تجسم بارز ادامه مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی است، حال مسئله اینست که پرولتاریا این مبارزه را در تمام طول جامعه سوسیالیستی ادامه دهد. محدود کردن مبارزه پرولتاریا به چهارم رنیزاسیون و تولید بیشتر جز خیانت بهمان نسبت به پرولتاریا و مارکسیسم لنینیسم چیز دیگری نمی‌باشد.

اما رویزونیستی‌های سه جهانی چه میگویند؟ آنها می‌نویسند: "دیگر مبارزه طبقاتی تضاد اصلی در این مرحله نیست... امروز طبقات متخاصم دیگر موجودیت ندارند. دیگر تضاد دیکتاتوری قدرتمند پرولتاریا دشمن طبقاتی قدرتمند به طبقه ارتجاعی توسعه یافته‌ای بدل شده و غنایه مقابل با پرولتاریا بر خیزد." رویزونیستی‌ها ادامه می‌دهند کسانی که معتقدند:

"مارکسیسم لنینیسم یعنی حادثه نگاه داشتن مبارزه طبقاتی و انقلاب یعنی سرکوب مدام مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه‌داران، روی این اصل قادر به پذیرش تحلیل کمیته مرکزی حزب صنی بر عدم وجود مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه‌داران نیستند... هدف دیکتاتوری پرولتاریا، سرمایه‌داران وابسته و بوروکرات است." (تغییر اساسی در موقعیت طبقاتی در چین و خبرنامه یکن، شماره ۴۶ و ۴۷ نوامبر ۱۹۷۹)

رویزونیستی‌های خائنین سه جهانی بطور آشکار مبارزه طبقاتی پرولتاریا را بنامه محور فعالیت حزب نفی کرده و خائنان همدست دیکتاتوری پرولتاریا را سرنگونی سرمایه‌داران وابسته و تحقق "چهارم رنیزاسیون" میدانند. حال آنکه ما میدانیم هدف انقلاب دموکراتیک سرنگونی سرمایه‌داران وابسته است و هدف دیکتاتوری پرولتاریا عبارت از مبارزه علیه بورژوازی در طول جامعه سوسیالیستی و استقرار جامعه کمونیستی است. در حقیقت بورژوا - رویزونیست‌ها چنین تحلیلی میکوشند تا پرولتاریا را به خواب فریبند و با سرعت هر چه تاثر سرمایه‌داری را بطور همه جانبه اعاده نمایند. هدف رویزونیستی‌ها از نفی مبارزه طبقاتی بنامه محور فعالیت حزب پرولتاریا می‌باشد. ساختن "چهارم رنیزاسیون" بنامه محور فعالیت حزب و دفن

در شماره قبل تغییر و تحولات درون حزبی را بطور مختصر توضیح داده و از تقویت جناح ارتجاعی تنگ ستا و پیکن صحبت نمودیم. در اینجا میکوشیم نگاهی به شی عمومی رویزونیست‌های سه جهانی در چین بیاندازیم.

رویزونیستی‌های خیانت کارزمانی که در چین به قدرت رسیدند برای اعاده سرمایه‌داری اساساً همان راهی را در پیش گرفتند که رویزونیستی‌های خروشچفی در برابر خود قرار دادند. آنان در عین حمله به سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا به اقتصاد سوسیالیستی نیز تهاجم نمودند. اگر رویزونیستی‌های خائنین خروشچفی تحت پوشش "ساختن کمونیسم در ۲۰ سال" آتی به اقتصاد سوسیالیستی شوروی حمله کردند، رویزونیستی‌های سه جهانی تحت پوشش "چهارم رنیزاسیون" (صنعت، کشاورزی، دفاع ملی، علم تکنیک) و تعدیل چین به کشوری نیرومند، دستاورد های سوسیالیسم را مورد تهاجم قرار دادند. سه جهانی‌های مرتد برای آنکه مبارزه طبقاتی پرولتاریا را خفه سازند و سیاست‌های کمونیستی را دفن کنند مطرح کردند که جامعه سوسیالیستی مبارزه طبقاتی پرولتاریا را محور فعالیت‌های حزب را تشکیل نداد و برای رشد اقتصاد باید به متخصصین و تخصص‌وفن تکیه کرد و تکنولوژی مدرن را از خارج تأمین نمود. اما برآستی واقعیت چیست؟

روشن است که در یک جامعه سوسیالیستی تخصص‌وفن امر مهمی در جهت انکشاف تولید سوسیالیستی بشمار می‌آید، ولی مسئله اساسی اینجاست که آیا متخصصین سفید رویزونیست هدایت امور را درست خواهند داشت یا متخصصین سرخ؟ آیا آنها بنامه پرولتاریا تکنیک را رشد باید داد یا با آنها، به امپریالیست‌ها؟ آیا رشد اقتصاد به تیمت نابودی دیکتاتوری پرولتاریا و مشی و سیاست پرولتاریا تحقق خواهد یافت یا با تکیه بر ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و رهبری حزب کمونیست؟ اقتصاد سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا حرف بوج و بی‌معناست و روشن است که دیکتاتوری نیز از آنجاست که جامعه طبقاتی است و مبارزه میان پرولتاریا و بورژوازی، مارکسیسم لنینیسم و رویزونیسم ادامه دارد. در جامعه سوسیالیستی تمام فعالیت‌های حزب باید به حول مبارزه طبقاتی صورت گیرد. زیرا در این جامعه در تمام عرصه‌های سیاسی، ایدئولوژی، آموزش، اقتصاد، تکنیک و مدیریت... مبارزه طبقاتی انعکاس داشته و سیاست و خط مشی تظاهرات می‌کند: سیاست و خط مشی پرولتاریا و سیاست و خط مشی بورژوازی، پرولتاریا باید آگاهانه این مبارزه را تا برقراری جامعه بدون طبقه کمونیستی به پیش برد. پرولتاریا اگر مبارزه علیه بورژوازی و نمایندگان

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

(قسمت هفتم)

**مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳**

پیکار: رفیق روحانی، قبل از اینکه من سوالات خودم را درباره ملاقات شما با آیت الله خمینی، مضمون و نتایج این ملاقات در میان نگذارم، میخواهم برای اطلاع خوانندگان نشریه پیکار، از شما بخواهم تا درباره عواملی که موجب مسافرت شما در شهریور سال ۴۹ به خارج از کشور گردید توضیحاتی بیا دهید.

رفیق روحانی: همانطور که اطلاع دارید سازمان مجاهدین خلق ایران، از همان ابتدا یعنی شهریور سال ۴۴ که بنیان گرفت، ضرورت مبارزه مسلحانه و اعمال قهر انقلابی را در قبال دشمنان خلق یعنی امپریالیسم و رژیم منقریبلسوی، بنامون یکی از اصول خدنه‌ناپذیرا اعتقادی اثر موردناکید قرار داد و توضیح این مساله و نقد و ردشبه‌های فرمبستی و اصلاح طلبانه که در آن زمان از سوی حزب توده و جبهه ملی و نهضت آزادی مورد تبلیغ قرار میگرفت یکی از مامیسی اصلی آموزش اعنای سازمان را تشکیل میداد. ۳ سال پس از بنیانگذاری سازمان یعنی در سال ۴۷، از حمله مباحث مهمی که در درون سازمان و در رده‌های بالایی آن به بحث گذاشته شد، برخوردارم شخص با مساله قهر در شرایط جامعه ایران و با صلاح تعیین خط مشی تاکتیکی بود. در همین سال و طی بحثهای متوالی و مفصل در جمع ها و رده‌های بالایی سازمان، با این نتیجه رسیدیم که بهترین نتیجه در مبارزه با دشمن و نیروی انسانی و تاسیسات آنرا مورد حمله مسلحانه قرار داد و این حملات و ضربات میبایست در شرایطی عملی شود که سازمان تا حد معین و لازمی به کسب آمادگی نظامی نائل آید و در همین حال دشمن کوچکترین اطلاعاتی از وجود سازمان، آمادگی نظامی و بر برنامه عملیاتی آن نداشته باشد.

من در اینجا نه فرصت آنرا دارم و نه جای آن هست که بخواهم به مقدور بررسی دیدگاه و بینش خرد بورژوازی آنروزمان از مسئله قهر انقلابی و مفاهم تاکتیکی و استراتژیکی آن و رابطه آن با مبارزه طبقاتی شده‌ها و سطح این مبارزه و مهمتر از همه رابطه این دیدگاه و بینش با ایدئولوژی مذهبی و التقاطی سازمان مجاهدین بپردازم. این خود بحث جداگانه و در معین حال بسیار با اهمیت است که با دیدگاه‌ها که من مورد توجه قرار گیرد.

بهر حال، سازمان مجاهدین خلق، در آن زمان، پس از تعیین خط مشی تاکتیکی خود در همین رابطه، مسئله تدارک و آمادگی نظامی را بطور فوری در دستور کار خود قرار داد و به برنامه ریزی در این زمینه پرداخت. در چهار رچوب همین برنامه قرار شد، قبل از هر چیز با انقلابیون فلسطین و در آن زمان سازمان "الفتح" تماس گرفته شود و شرایط لازم برای آموزش نظامی عده‌ای از اعضا و کادرهای سازمان در اردوگاههای

فلسطینی فراهم گردد. اولین اقدام و کوشش جهت ارتباط و ملاقات با سازمان الفتح توسط خود من صورت گرفت و من موفق شدم در آذرماه ۴۸ در پاریس با محمود همشری "نماینده سازمان الفتح (که بعدها بدست عمل صهیونیسم در پاریس به شهادت رسید)، چندین ملاقات داشته باشم. این ملاقاتها متأسفانه بدلیل عدم پیگیری شهید محمود همشری به نتیجه قطعی نرسید و بعداً از طریق دیگری

میشد، کوشش وسیعی را برای راهی آنها آغاز کرد و کمیته مرکزی سازمان که من نیز جزو آن بودم، طی یک نشست خودنممیم گرفت، جمع ویژه‌ای را با این کار اختصاص دهد و این جمع بطور مستقل در خود محل یعنی دبیر ترنسیب آزادی زندانیان را به شکل ممکن فراهم سازد. مسئولیت این جمع و فعالیت آن از طرف کمیته مرکزی سازمان مجاهدین بر عهده من گذاشته شد و من در رابطه با این مسئولیت در روز ۱۱ شهریور

- ماد رخلال تماسهای دایمی و در معین حال مخفی که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند به ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطور غم فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت) موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دومتوره‌ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبیر به بند رهاس منتقل نماید مورد اجرا گذاریم.
- عراقیها با راه توسط عنصر جاسوسی بنام محمود پناه همان که دستیار تیمور بختیار در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت و کوشیدند تا ما را با نند در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ماهیت کثیف رژیم عراق آشنائی داشتیم، با قاطعیت تمام در برابر این کوشش توسط نگران آنها ایستادگی کردیم و برنامه های پناه همان مزد و روزا قهرار نقض بر آب ساختیم و از آنها صرانه و سرسختانه خواستیم که هر چه سریعتر ترتیب خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاههای فلسطینی فراهم کنند.

یعنی تماس با نمایندگان سازمان الفتح در قطر (از شیخ نشین های خلیج فارس) زمینه ملاقات با اعضای رهبری این سازمان بدست آمد. این ملاقات در اوایل تابستان ۴۹ میان نمایندگان سطح بالای سازمان مجاهدین و سازمان الفتح در عمان (اردن) صورت گرفت و آنها (سازمان الفتح) تمهید هر گونه کمک نظامی را در حیطه امکانها تا شان نسبت بیا پذیرا شدند. بدنبال چنین تمهیدکاری ای، تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای سازمان برای گذراندن دوره آموزشی به اردوگاههای فلسطینی گسیل شدند که پس از پایان دوره آموزش نظامی اکثر آنها به ایران مراجعت کردند. در همین رابطه تعدادی از اعضا و کادرهای سازمان که اکثر آنها دانشجویان با تازگی فارغ التحصیل شده بودند اوایل تابستان ۴۹ جهت دریافت گذرنامه و سپس پیوستن به اردوگاههای فلسطینی از طریق قاچاق عازم دبیر شدند. آنها با تحمل زحمت و مشقات بسیار موفق شدند بنامون کارگرمها جر ایرانی، گذرنامه بگیرند، ولی درست یکروز قبل از مسافرتشان به بیروت یعنی ششم مرداد ماه ۱۳۴۹، شش نفر از آنها در بازاردبیر و هنگام خرید لباس توسط پلیس دبیر دستگیر و زندانی شدند.

دستگیری این افراد بلافاصله توسط یکی از اعضای سازمان که بطور تصادفی در دبیر از این جریان با خبر شده بود، به تهران اطلاع داده شد و سازمان با توجه به اهمیت حفظ جان این افراد و خطرات دیگری که از این طریق متوجه سازمان

۴۹ به دبیر مسافرت کردم و در فرصت کوتاهی این جمع با شرکت شهید رسول مشکین قام، مجاهد صادق با دات در دبیر، یک رفیق دیگر و خود من در دبیر استقراریات فعالیت دو ماهه این جمع در دبیر همراه با سیرکمه‌های که از طرف دیگر همزمان مجاهد صورت میگرفت، موجب گردید تا تمامی راههای استخلاص مجاهدین را بطور مورد بررسی قرار گرفته و متناسب با شرایط و موقعیت های مختلفی که میتوانست بوجود آید، هر یک از این طرحها مورد استفا ده قرار گیرد. ما در ابتدا در معین حال که شیوه‌های تعرضی و مسلحانه را مورد توجه داشتیم، منتهای کار را بر این گذاشتیم تا از طریق دخالت عناصر فلسطینی (که در مقامات دولتی دوسی کلامان موثر بود) در پیرونده و موارد آنها می مجاهدین اسیر حتی الامکان از تحویل آنها به رژیم سرسپرده‌ها خودداری شود. ما در این زمینه کوشش وسیعی را آغاز کردیم و به پیشرفتهای زیادی هم نائل شدیم، اما نیکبایر متوجه شدیم که رژیم ما با اطلاع یافتن از موضوع، قصد دارد هر چه سریعتر آنها را تحویل بگیرد. ما در خلال تماسهای دائمی و در معین حال مخفی ای که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و علیرغم فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت)، موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دومتوره‌ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبیر به بند رهاس منتقل نماید مورد اجرا گذاریم با این ترتیب

— های توطئه گرانه آن و این موضعی انقلابی بود و جز این هم زمان انتظار رهنمیرفت و اینرا هم تمامی سرمداران رژیم جمهوری اسلامی و بیش از همه شخص آیت الله خمینی نیز بخوبی میدانند اما آنها برای مقابله با جنبش توده ای و سرکوب سرروه های انقلابی و کمونیست و در جهت فریب توده ها میکوشند و دیگر نیروهای کثونیستی و انقلابی را با اصطلاح وابسته بد رژیم ارتجاعی عراق و امیرالیم آمریکا و... قلمداد نمایند! آنها غافلند از اینکه عوام مغربسی آنها تا رکی ندارد و قیام آنها رژیم شاه نیز در همان زمان که ما در عراق ریزش کردیم و سپس از آن تا آخرین روز حکومتش ما را منبهم به ارتباط با عراق و آمریکا و شوروی منکرند. و البته اگر رژیم شاه در این فریب کاریها و عوام فریبیها توانست طرفی ببیند، اینها نیز طرفی خواهند بست، اما شما و ما دیدیم که توده ها چگونه با سخ خود را به لاطلاعات رژیم شاه دادند. بدون تردید سرنوشت اینان نیز جز این نخواهد بود!

"آدمه دارد"

شبه از صفحه ۱۴ در چین ...

مالی به برخی از استانها به رسمیت شناختن تجارت کوچک و رسمیت بخشیدن به استرداد سرمایه های صادره شده یکسری از سرمایه داران در این مورد رویزونیستهای خائسن مطرح میکنند :

"از آنجاکه اخیرا سرمایه های بانکسی سرمایه داران به آنان پس داده شده و باردیگر مشاغل پررآمد گذارده شده اند، بعضی ها تصور میکنند که سرمایه داران هنوز در استعمار بگران دست دارند و قبول ندارند که طبقه ی سرمایه دار بگردد موجودیت ندارد. اینها سیاست حزب را در "خریدن" سرمایه داران درک نمی کنند ! (همانجا)"

بدین ترتیب متوجه میشوم که بورژواهای نوین سه جهانی چگونه به دستاورد های ساختمان سوسیالیسم حمله کرده و راه سرمایه داری را بشدت تمام تعقیب می نمایند رویزونیستهای مرتجع تا آنجا به پیش رفته اند که وقیحانه از سرمایه داران قدیمی نیز تجلیل کرده و سرمایه های آنان را مسترد میسازند. آری امروز در چین بورژوازی به حاکمیت رسیده، سوسیالیسم را نابود کرده و طبقه کارگر را استثمار نموده ولی نگارانه میگویند :

"طبقه ی سرمایه دار بگرموجودیت ندارد ! آیا واقعا چنین است ؟"

ادامه دارد



— شعبهها را در نیمه های شب آنقدر شکنجه دادند که از هوش میرفت و تن مجروح و نیمه جان او را به سلول میاوردند.

این وضع تا چند هفته بطول انجامد، تا آنکه با کوشش و بیگیری سازمان و پس از آن که تلاش ما برای دخالت آیت الله خمینی به نتیجه نرسیده بود، نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در بغداد همراه با رفیق تراب حق شناسی، مسئولین عراقی دیدن کرده و آندو در همان زندان به دیدن ما آمدند و از این بعد مقدمات عراقی محبوسه عقب نشینی شده و دست از شکنجه و بدرقاری نسبت به ما برداشتند و از این هنگام کوشیدند که با انواع حیلها ما را متقاعد کنند که در همان عراق بنام نیم و قیام خودشان در کنار آنها با رژیم شاه مبارزه کنیم. عراقیها با رهبا توسط عنصر جاسوسی بنام محمودینا همان که دستیار تیمور بختیار در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت، کوشیدند تا ما را به ماندن در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ما هیت کشف رژیم عراق آشنا شای داشتیم، بیجا قاطعیت نما مدمر بر این کوشش توطئه گرانه آنها ایستادگی کردیم و برنا مه های پناهیسان مزدور و عراقیها را نقش بر آب ساختیم و از آنها مصرانه و سرسختانه خواستیم که هر چه سریعتر ترسب خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاههای فلسطینی فراهم کنند.

معاملات عراقی وقتی فهمیدند که ما هیچ قیمتی حاضر نیستیم در برابر فشار و تلطیع آنها تسلیم شویم و به آنان امتیازی بدهیم، سخت ناراحت شدند و به نمایندگی الفتح که سرانجام توانست ما را از دست پلیس سیاسی عراق و محدود پناهیان تحویل بگیرد، شرط کردند که پس اینها نیا بد در عراق بنا ننند و همینطور هم شد. یاد دهم که افسر فدا اطلاعات عراق بنام مسروان بونس که مسئول پیرونده ما بود وقتی سرسختی ما را برای رفتن به فلسطین دیدم بیش از روی میزگرفت و گفت "پس شما بدردمای نمی خورد!" پس از دیدار ما بنماینده سازمان آزادیبخش و رفیق تراب از ما، مدتی برای معالجه در یکی از بیمارستانهای نظامی بغداد بستری شدیم. بدشمال خروج از بیمارستان و قبل از پیوستن به اردوگاههای فلسطینی، پناهیان مزدور با راهب ملاقات ما آمد و کوشیدند تا یکبار دیگر شانس خود را ببیازما بدوبهرتر ترتیب شده ما را به ماندن در عراق متقاعد کنند ولی هر بار سرسخت تر از پیش با پاسخ منفی ما روبرو میشد و گفتنی است که ما آخرین درخواست او و عراقیها را مبنی بر مصاحبه را دسولتوسریوسی نیز رد کردیم. و با لاشمره بدشمال فشاری که مرتبا به معاملات عراقی جهت خروج از عراق وارد میاوردیم و با کوشش و فعالیت دفتر تنمایدگی سازمان آزادیبخش فلسطین در بغداد، موفق شدیم عراق را ترک و به اردوگاه های فلسطینی و سایر همزمانان که از مدتها پیش به آنجا رفته بودند، بپیوندیم.

بله، این بود برخورد ما با رژیم عراق و برنامها

با اجرای این طرح توسط شهید رسول مشکین قام معاهد صادی با دانات در سندی و خود من، ۶ نفر معاهدردانی سام های رفیق سیدخلیل سد احمدیان (عمو فعلی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر)، رفیق کاظم شعبهها، رفیق محسن نجات حسینی، رفیق حسین حورنو، معاهد شهید محمود نخی و معاهد موسی خیابانی، در حالیکه به شکنجه گاهای اهریمنی ساواک گسیل می شدند. آزاد گردیدند و برای گذران سندن دوره آموزش نظامی به اردوگاههای فلسطینی سوستند.

پیکار: رفیق! آنطور که من اطلاع دارم و فکرم میکند برخی از مردم نیز در جریان آن قرار گرفته اند، مساله شکنجه شدن شما و همزمانتان توسط رژیم بعث عراق در زندان بغداد است؛ از شما میخواهم تا در استموردا کتروفیضاتی دارید بدهید.

رفیق روحانی: از همان ابتدا ما برنا مه رسی جهت آزاد ساختن ۶ معاهد اسیر در بی، کم و پس از ما هست رژیم بعثی عراق و موضع گیریهای سوادگرایان در قبائل نیروهای انقلابی که به ظاهرا حمایت آنها میدیبا اطلاع بودیم و سه همن دلیل در طرح اولیه ای که داشتیم، مقصد سیاسی خود را جمهوری دمکراتیک بین (بین حوسو) در نظر گرفته بودیم، اما این طرح دارای اشکالاتی بود، چرا که بر اساس این طرح میبایستی هوا سیمای ما در ریاض (سعودی) سوخت گیری می کرد و اس یک ریسک کامل بود و طرح ما را به احتمال زیاد دچار شکست میکرد و لذا ما نمی توانستیم این طرح را بپایه کنیم. به این ترتیب تا سوخته تدرابروا هوا بپای دو موتور هیه زای هر نفس به بغداد دو جودنداشت و حتما اطلاع دارید که طی این مسیر نیز که کوتاه ترین مسیر بود ساعت طول انجامید، آنها با مخاطرات مسعد، جهت کساح سوخت گیری در فرودگاه دوحه زمکر فطر اوحد در موضع دجا مره هوا بپای ما توسط جنهای شکنجه گویت در آسمان این سبج سس

بهر حال بلافاصله پس از ورود به بغداد، معاملات عراقی ما را به محلی که در سا ختمان و رار دفاع قرار داشت هدایت کردند. هنوز چندا عمی ارورود ما به این محل نگذشته بود که ما را بطور جداگانه سکی از زندانهای قدیمی بغداد بدرسد و بلافاصله ما زهری از ما را که همراه با فحاشی و شکنجه بود، شروع کردند. آنها با توجه اینکه ما را نمی ستاندن نسبت به مسامکوکند، بدتر سفتا را به ما و وارد کردند. سعمان منال، معاهد شهید رسول مشکین قام را با سرحد برک شکنجه کردند. معاهد موسی خیابانی را جدا جدا با تلیک کلوله در کنار و تهدید به مرک کردند. خود ما تا آنجا شکنجه دادند که مدتها در همان بغداد در بیمارستان بودم. رفیق حسن خوسرو را معاهد به سقف آویزان کردند و در مقابل چشم من او را شکنجه دادند. رفیق کاظم



نامه يك مادر مبارز

سلام بر خلق قهرمان كرد!

من يك زن خانه دار هستم، كه هوادار ايرانيان پيكار مي باشم، فرزندان من در خواندن انتشارات سازمان پيكاريا من همكاري ميكنند، بعنوان يك فرد هوادار هميشه در فكر اين بوده ام كه با امكاناتي محدود كه دارم بتوانم كمكي براي سازمان در راه مبارزه با سيستم سرمايه داري وابسته و ناپودي استعمار و برقراري حكومت زحمتكشان باشم. بنا بر اين به پنهان اين ديدم كه در محدوده امكانات مالي خود پوليورها ثي و مقصداري لباس گرم براي خلق قهرمان كرد و بيشمرگان دلاور كردستان بيايم. اميدوارم كه اين كمك ناچيز موثر باشد. با آرزوي پيروزي نهايي خلق قهرمان كرد.

با درود فراوان در -

رفيق مادر!

درودهاي گرم و صميمانه ما را بپذير! زاپنكه چنين هديه ارزنده اي را براي ما فرستادي، سپاسگزاريم. كمك بظا هرنه چيز تو كه از ارزش ولائي برخوردار است، همانند ساير كمكهاي ديگري كه از سوي ديگر زحمتكشان ميهنمان به سازمان ميشود، ما را در ادامه راهمان كه همان آزادي طبقه كارگرو زحمتكشان ديگراست ياري ميرساند و عزممان را در مبارزه عليه سرمايه داري راسختر ميكنند.

باشد كه به همراه كارگران، زحمتكشان و خلقهاي ميهنمان، بساط سلطه امپرياليسم، ستموا ستعمار را بر اندازيم و حكومت كارگران و زحمتكشان را برقرار سازيم!

به اميد پيروزي!

رفقاي كميته كارمندی

انتقادات شما رسيد، نظرات در مورد ضرورت توجه بيشتر به هواداران و جنبش كمونيستي كاملا صحيح است. البته ما پس از كنگره تلاش نموديم با گسترش دمكرا تيسم تشكيلاتي با دامن زدن به مبارزه ايدئولوژيك، و علني نمودن بخشهاي وسيعي از تجربيات و جمع بنديهاي مبسارزات دورني، بين خود هواداران و جنبش كمونيستي ديوار چين نكشيم. تلاشهاي ما در هر سه زمينه (از جمله ميتوان به تخفيريات وارده به پيكار، انتشار ركلبه قطعه نامه هاي كنگره كه در دست انتشار است و دامن زدن به مبارزه ايدئولوژيك اشاره كرد) گواه اين واقعيت است. اما نکته اي كه بايد در نظر گرفت هما نانش فعال هواداران در دامن زدن به مبارزه ايدئولوژيك

لوژيك و برخورداري انتقادي به مجموعه مواضع و عملكردهاي سازمان است. رفقاي هوادار اگير چه در ارتباط و ترويج مواضع سازمانسي و گسترش نفوذ و حضور سازمان در مبارزات توده ها از هيچ تلاشي فروگذا رنستند. اما در عين حال با بدبه نقش خويش در تشديد مبارزه ايدئولوژيك درون سازماني توجه بيشتر ميكنند. بيشنها در انتقادات و... ضمن آنكه بر اساس اصل سازمانت ايدئولوژيك صورت ميپذيرد، همچا ه نتايد وسيله اي در جهت توجه كاستها، برخوردارهاي انفعالي و گرايشات انحلال طلبانه و... گردد. رفقا! پذيرش ديستپلين و رعيت سازمانت - آليسم عليه غم وجود هرگونه انتقادي كه در چهره ر- چوب يك تشكيلات قابل برخوردار است، از الفباي هر تشكيلات كمونيستي است. متقابلا وجود دمكرا سي درون سازماني نيز از شرايط اوليه حيات هر سازمان كمونيستي است. دمكرا سي درون سازماني نسيبوت نديدون توجه به نقش توده هاي هوادار و جنبش كمونيستي معناي درستي داشته باشد. ما ديگر چريكهاي دوران قبل نيسيم. كه براي ما صرفا عمل مقدس باشد و به ايدئولوژي بها ثي ندهيم. ما ديگر چون گذشته خود را "چريكهاي افسانه اي" تميدانيم كه هواداران با بددنبا له رو و پشت جبهه آن باشند ما از تما مي هواداران انتظار داريم، ضمن گسترش پرا تيك انقلابي خود، به نقش ايدئولوژي بها ي بيشتر ي دهند، در امر مبارزه ايدئولوژيك درون سازماني فعالانه تر برخوردار نما يند و در يك كلام سازمان را در پيشبرد خط مشي صحيح و انقلابي م. ل ياري رسانند. رفقاي مسئول نيز با يدروح چنين شيوه برخورداري را بتمانمي هواداران بيا موزند و خود بكار بندند، تا به اين ترتيب بتوانيم بها روحيات بوروكراتيك و ديكتاتور منشا نه مرزبندي نما شيم و هم بها گرايشات ليبرالي و دمكرا سي بورژوا ثي. اين

معرفي يك نوار
ايراني نان عراقين جنگي
زحمتكشلا رين "خير پنه دگيل"

ترجمه تركي مجموعه اي از بيا نيه ها و مقالات نشريه پيكار در مورد جنگ ايران و عراق توسط كميته آذربايجان سازمان بصورت نوار در اختيار زحمتكشان قرار گرفته است. نام اين نوار "ايراني نان عراقين جنگي، زحمتكشلا رين "خير پنه دگيل" است و در زبان فارسي به مفهوم "جنگ ايران و عراق بنبغ زحمتكشان نيس" ميباشد. كارگران و زحمتكشان آذربايجانسي بهر طريق ممكن اين نوار را تهيه و بدامن گوش دهند.

نشريه پيكار ضمن تحسین اين اقدام رفقاي آذربايجان، در انتظار رفعا لبيت هر چه بيشتر آنها وسا يور رفقا در اين زمينه است.

دوا نحراف مرزسا نتراليسم و دمكرا تيسم را مخدوش ميكنند و به چپ و راست درمي غلطند. با درودهاي رفيقاته پيروزبا شيد!

رفقات و م

بيشنها دهها و انتقاداتتان رسيد. ما از انيكه شما اينچنين فعالانه بيگير و دمكرا تيسم مواضع سازمان وضعفا ييش برخوردار ميكنيد سي - نهايت خوشحاليم. در نماه اخيرتان ما شل سيارزي باي را مطرح كرده بوديد كه ميگوشيم به برخي از آنها پاسخ دهيم:

در مورد حزب كمونيست چين، نظرات مندرج در پيكار صرفا موضع هيات تحريريه نسيود، بلكه تشريح مواضعي است كه در كنگره ذكر شده، رثوس آنچه كه در پيكار در باره حزب كمونيست چين منتشر شد، همان است كه بعنوان مرزبندي بنا نظرات راستروا نه رفيق ما نوشته دون در كنگره مورد نما شيد قرا رگرفت.

در مورد برخورداري نسيبوت بها ايران كه سوال كرده ايد موضع سازمان است با هيئت تحريريه، پاسخ ما اين است كه زمانيكه ما از ماهيت رژيم ايران و جنگ كنواني صحبت ميكنيم (بر اساس مواضع سازماني) اين دقيقا به معناي مرزبندي با كليه نظرات انحرافي مبنی بر ضد امپرياليسم دانستن رژيم جمهوري اسلامي و با عادلانه دانستن اين جنگ ميباشد. و بر همين پايه است كه ما به نظرات انحرافي حزب كار آلپاني برخوردار نموده ايم. وهم اکنون نيز در ضد برخوردار نما بيا نيه حزب كار آلپاني در مورد جنگ ايران و عراق هستيم.

در مورد تفاوت بين نظرات راهكارگرو رزمندگان با اقليت و وحدت انقلابي كه اولسي جنگ را عادلانه و دسته دوم جنگ را ارتجاعی می دانند، در همين شما ره پيكار و در شما ره هاي بعد برخوردار ميكنيم و در پيكار رثو ريك نيز به آن بيشتر برخوردار خواهيد شد. گزارش شما در مورد تاثيرات نظرات ما در ميان ساير نشيروهاي كمونيستي بسيار قابل استفاده بود در همين جا از كليه رفقا ميخواهيم در مناطق خويش تاثير نظرات سازمان بر جريانها ت ديگرا را رزيبا سي كرده و آن را براي ما ارسال نما يند.

به انتظا ر برخوردار فعال هر چه بيشتر شما!

پيروزبا شيد!

رفيق مسول ده غرب

بيشنها دات رسيد و مورد توجه قرا رگرفت در مورد محدوديت اعلاميه ها و پيكار روضا شم آن از طرفي از جنبه امكانات چاپي، محدوديتها شي بوجود آمده است و از طرف ديگر در پيش آن نيز مشكلاتي وجود دارد، از اينرو ضمن آنكه ما ميگوشيم تا اين مشكلات را رفع نما شيم، كلييه رفقا موظفندا اعلاميه ها، نراكتها و پيكار را رثو ريك كرده و در پيش آن نيز فعالانه تر بگوشند. و وسا قسمتها ثي از آنرا بزرگ نموده و به ديوار نصب نما يند.

دست را ميغشا ريم.

رفقای د. دغوب

پیشنهادتان مورد توجه قرار گرفت. سازمان
مراکز ریشه‌تراکشی منتشر نموده است.

رفیق ب. س

نامه مصلحت‌دستان رسید. آنچه نشود
برخورده بود. روزها گداز و گران. سالنامه
حاجمیران مفعلاً شرح سوخدهای کاملاً درست
است. مادردینار دینکار ۷۷ و ۷۸ نه این سود
برخورده در زندگان برخورداریم. اما رفق
آنچه که باید بینگام مورد توجه قرار گیرد همانها
با همان دردمان مجسم سوخدهای روسفکرانه
ارزون ما است. انفعادی که نه سود برخوردار شود
نوشته‌ها و وارد است. عدم رعایت متناهی کمونی
و برخوردار بخش‌هایی به سود سازنده اندیشه
لرزیک در زندگان بیپناش.

رحی از مطالب سوبه سخن سکلات مربوط
می‌بود. از طریق ارکان مربوطه پیشنهادها
را به سکلات برسان.

موفق و سروزبانی!

رفیق دانشجوی هوادار

نامه‌ها رسید. انتقاد کرده بودی که چرا
در اعلامیه "جمودیه هواداران" و... گفته‌ام
بروحی موانع سازمان پرسنال حکم یک مسئله
محوری است. گفته‌ای که ما این درمادنا درک ما
از سخن سلیم همانا و طبقه محوری قرار داد.
در پاسخ سوبه سکلتی که اولاً ما سخن نگه
سروزبانی بر روحی کشیم که در اهمیت سلیم
سرماندگار است.

ما با مسئله حکم سخن و سخن از جنبش
کمونیستی را بر دما رسو هم کرده است و برای در
هم‌بستن این سوهم که بسیار ضروری است طبقه
سروزبانی موانع سازمان سخن بر حومه بری می‌اند.
تالیا: ربا نگه می‌کنیم سلیم عمده است.
بمعنا در سخن سخن سخن سلیم در سخن
حال عمده بودن فعالیت سلیم در مورد هر
حرکت سخن. بلکه منظور عمومی در رابطه با
سراپا ما همه مطرح است و این خودی خود سه
معنای آن است که در مورد سخن فعالیت
سروزبانی بر فعالیت سلیمی ارجح است. ما از
نگهداریم بر سروزبانی در آن مورد خودداری می‌نماید.
با درودهای کمونیستی!

رفیق حسد. د. ا. ع

پاسخ به سوالها را در نوبه‌های پیکار
منتوانی نحوانی (ارجمه در این شماره در
بغد نظر از زندگان)

رفیق ع. ب

اشعار مورد توجه قرار گرفت و سازمان
در این مورد در حال اقدام است.

دست‌راکرمی معماران

رفیق دانشجوی عرب. ن. د

انتقادها و سوالها به دستمورد توجه
قرار گرفت.

موفق باشی!

رفیق هوادار ش. ج. تهران

نامه‌ها رسید و سوالها به سروزبانی
رسید.
رفیق ب. ن. د. ن. ک. ک. ک.

در توضیح وضعیت سروزها در موسسه کدر
آن کارمندی نامی از موسسه بنا بردن و این
ساعت مگر در دهه ما سواستینا استفا ده دلار را از
من ایرانی سوبه شرح عمده در افغانی روسوبه
سهمهای اکثریت مطالب قابل توجهی داشت.
سما تم. بعد از این گزارشها به راستی ما
مخبر کردیم در صورت لزوم سوبه که از نام آن
اسمی برده شود.

موفق و سروزبانی!

رفیق ب

نامه‌ها رسید. در شماره‌های گذشته پیکار
بدان برخوردار کرده‌ام. در مورد وحدت افغانی
اکنون سروزبانی سروزبانی موانع ایسان همسب.
با درودهای رفیقاها!

رفیق م. م. م. از د. ن. ع

نامه‌ها رسید با سختی را در نوشته‌های دیگر
منتوانی سوزگانی

با درود فراوان!

رفیق س. ب

سوالها بدستان رسید منتوانی به پیکار
شوریک شماره ۱۰ کدر مورد حکم ایران و عراق
و مناره بدست‌نوریک با سروزبانی در این
رمنه است و در حال انتشار می‌باشد در جامعه کتی.
سروزبانی!

اشعار رسیده

رفیق ش. ا

مجموعه اشعاری که فرستاده بودی با نامه
اب خط به مسئولین صفحه‌سری دریا فت گردید
در این نظر و مرا ملاقاتی در تهران هستیم که از
طریق سکلتی برای ما بفرستد.

با درودهای کمونیستی!

رفیق کارگر. ع

ارادادان شعر "جنگ" رسید.

رفیق س. م

رفیق نامه‌ها رسید. سروزبانی!

رفیق ف. ع

شعر "ای سرباز روح" که خطاب به رفیق سربازی
مروده بودی که خاطرانش را از جنگ کردستان
در سبک رمی نویسد، رسید.

از رفقای هنرمندان که هنر را در نبرد
طبقه‌ای همچون سلاح پیکار می‌کنند و آثارشان
را بر ایمان فرستاده‌اند تشکر می‌کنیم و در انتظار
دریا فت آنها بیشتر و بهتری هستیم. در شماره‌های
آینده سمنی از معجزه هنری را به نشان دادن برخی
کاستی‌ها که در اسرار ایرانی وجود دارد و هنرمند
ها شای در این باره اختصاص خواهد داد.

سروزبانی!

رفیق آذر از قزوین

نامه‌ها بدستان رسید. تشکریم!
رفیق ه. ط
نامه‌ها رسید. سروزبانی!

پیشنهاداتی در مورد انتشار برخی نوشته‌
های تبلیغی و سروزبانی پیکار بصورت کتاب و
جزوه بدستان رسیده است. ضمن تأیید این
پیشنهادات، باید بگوئیم که سازمان در صدد
است با مقالات تبلیغی و ترویجی را بصورت جزوه
منتشر نماید و این کار را در مورد یک سبزی از
مقالات نیز شروع کرده است.

کمک‌های مالی دریافت شده

الف	ب	ج	د
۲۲۰۰	۱۸۰۰۰	۱۱۱۰۰	۶۶۵۰
۳۰	۳۲۳۰	۹۰۰۰	الف
۱۳۰۱	۵۵۰۰	۶۱۱۰	۱۵۰۰۰
ظ	۵۵۰۰	۱۲۲۰۰	ب
۱۰۰۰۰	۱۴۸۰۰	۳۹۰۰	۶۲۰۰
ن	۱۵۵۰۰	۵۵۰۰	۹۹۰۰
۱۹۰۰۰	۸۸۰۰	۵۵۰۰	۲۶۰۰
	۱۰۰۰۰	۱۱۷۰۰	۲۲۲۰

- ۱- م. م. ۲۰۰۰
- ۲- الف. ب. ۶۰۰۰
- ۳- م. خ. ۲۰۰۰
- ۴- الف. م. (اصفهان) ۲۰۰۰
- ۵- نا هس. ۱۲۰۰
- ۶- ط. ز. نا هس. ۲۰۰۰
- ۷- ج. ع. سخن. ۲۰۰۰
- ۸- رفیق ع. سروزبانی ۱۴۲۰۰۰
- ۹- رفیق ب. ۱۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی جدید و ۵۰۰۰ ریال کمک مالی قبلی شما رسید.
- ۱۰- دور رفیق کارگر پیکار رسیده است. - هوادار ۱۵۰۰
- ۱۱- کارگر میا رزبا ۵۰۰۰ ریال کمک شما رسید
- ۱۲- م. بندر عباس ۱۶۰۰۰۰ ریال
- ۱۳- م. بندر عباس ۸۵۵۰۰۰ ریال
- ۱۴- یکی از هسدهای زنان هوادار سازمان در اهواز ۳۰۰۰۰ ریال
- ۱۵- رفیق کارگر دانش آموز (بوشهر) ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ۱۶- رفیق زهدیه‌ها رسید.
- ۱۷- رفقای اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی هوادار سازمان در خارج کمک مالی شما دریافت شد.
- ۱۸- ما در مبارزات مبارز ۲۰۰۰ ریال کمک مالی مربوط به ماه‌های شهریور و مهر رسید (مادر مبارز ما هبانه ۱۰۰۰ ریال کمک مالی به سازمان می‌کنند).

منتشر شد:

استیصال آیدئولوژیک
در مبارزه آیدئولوژیک!

پیکار

نگاهی به سروزبانی

روزندگان

سوسیال لیبرالیسم

آقای چمران سهمیه اش را می خواهد!

روز چهارشنبه ۲۴/۷/۳۰۰۵ حدود ۳۰۰ نفر از سربازان منفی خدمت ۵۶ را بعنوان سهمیه ژاندارمری به اهواز منتقل میکنند. همکا مورودا بن سربازان به یادگان، دکتر چمران به همراه یک روحانی سر میرسد و میگوید که "اینجا برای من سهمیه من هستند (!) برای تربیت کماندو". در این موقع استوار ژاندارمری که برای تحویل گرفتن این سربازان بخت برگشته آمده بود، روی "سهمیه ژاندارمری" بودن سربازان تکیه میکند و لسی آقای چمران میگوید "من عضو شورای دفاع هستم و هر چه من بگویم درست است" و بلاخره علی رغم تمایل خود سربازان، جناب چمران به "سهمیه" اش میرسد! سهمیه ای که برای کشتار ارسال میشوند!

ارزش جان انسان بیشتر است یا کاشیرده؟!!

با نگاهی آبیادان تنها دوازده روز در هفته (یکشنبه ها و چهارشنبه ها) باز است و به هر شخص بیش از ۳ هزار تومان پرداخت نمیکند در این روزها تعداد زیادی از مردم جلوی بانکها صف میبندند. حقوق کارگران بطور کامل پرداخت نمیشود و به آنها فقط ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان به عنوان مساعده میدهند. ضمانت کارگران شرکت نفت و ادارات دیگر (از جمله تصفیه آب در فرام آبادان و "گمرک" خرمشهر) بزور به سرکار خوانده میشوند. یکی از کارکنان "تصفیه آب دیری فارم" میگوید که: "تمیذا شوقتی که شرکت تعطیل است چرا ما را به آن محل خطرناک میبرند؟" (توضیح اینکه این محل در کنار ریزش آب قرار دارد) جالب اینجاست که گاهای شیرده شرکت نفت را از آن محل برده اند. گویا جان انسانها برایشان کمتر از گاوها ارزش دارد.

"به جبهه جنگ شتافتن" خامنه ای!!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه خاندانی که مرتب از طریق رادیو و تلویزیون، مردم را "بسی" بهشت" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکنند، برای برگشتن از اهواز یک هواپیمای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود، با تلفن احضار میکند. یک پزشک حاضر در فرودگاه از او میخواهد تا مریض مشرف به مرگ را با خود به تهران ببرد. خاندانی این ابتداء قبول نمیکند ولی پس از آنکه خاندان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خاندانی میگوید، چون باید با سدارانش را همراه خودش ببرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

خبری از اهواز

۵۹/۷/۱۹ - طی حمله عراق به زیرتوان کارمندی ۲۵ نفر کشته شده و تعدادی خانه در هم

منتخبی از اخبار جنگ

کوبیده میشود. با سداران خدا انقلاب در شایبلی که: هالی خانه ها هنوز سرترا و ایستادند، با حمله وحشیانه خود شکستن قفل جدا آنها بدستمال! علامه و کسانهای خدا نقلی! میگفتند. در پاسخ مردم که علت اینکار را نمیبریدند میگفتند که میخواهیم ببینیم که اگر کسی از آنها کمونیست بود اسم شهید رویش نگذاریم.

خوش رقصی رو بزنو نیستها و نودهنی رژیم به آنها!

مدهاست که فریاد "ملی و خدا مهربالست" بودن رژیم جمهوری اسلامی، از جانب رویزیو- نیستهای "نوده ای" و "فدائیان اکثریت" شنیده میشود تا کنون با تمام قدرت به تطهیر رژیم پرداخته اند. از جمله در جنگ با عادلانه اخیر، رویزیو نیستها (خانشین به طبقه کارگر) شکار دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را داده و با این بست خود را موظف میدانند که در جنگ شرکت کنند. جریکهای "اکثریت" در هفته های اخیر عده ای از افراد خود را برای جنگ به قمرشیزین میفرستند اما با بی توجهی کامل ارتش و پاسداران مواجه میشوند. نیروهای رژیم به آنها هیچگونه هماهنگی و همکاری با آنها نمیکند، بلکه از دادن امکانات و آذوقه نیز کوتاهی میکنند و نیروهای اکثریت با این وضعیت که تنها موجب هرز رفتن نیرویشان میگشت، عقب نشینی می کنند. در ضمن حدود یکماه پیش از این ۲۵ نفر از افراد حزب توده "آما دگی" خود را برای جنگ با حکومت بعث عراق اعلام میکنند و میخواهند که در اختیار رسیا و ارتش قرار بگیرند. سپاه این ۲۵ نفر را و طلب راد از عملیات آما دگی مورد تخفیر کامل قرار میدهد و پس از پایان عملیات آما دگی از بدرفس آنها خودداری میکند.

شرکت حزب ارتجاعی "زاهدان" در جنگ

طبق اطلاعات رسیده، حزب ارتجاعی "زاهدان" عده ای را بوسیله اسلحه و مهمات، رژیم جمهوری اسلامی، تجهیز کرده و به جبهه جنگ فرستاده است. این حزب در افغانستان بین بازاریها، بنفوذ زیادی دارد. عده ای از بازاریها بی این شهر عضو بودند. در این حزب "سجانی" و "ارتجاعی" هستند. آری، این فقط "سجانی" ها و "سجانی" رویزیو نیستها (از خانشین به طبقه کارگر) هستند که با بسیاری رژیمهای ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، دل سوزانند چرا که آنها تشنه در کرب و وجود چنین رژیمهاست. اینها از سرما به دفاع میکنند و سرما به داران از امان!

رژیم جمهوری اسلامی دوباره کودتاچیان را باکام میگرد

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت طبقاتش سرپرستان و کودتاچیان را به فعالیت فرا میخواند، و از آنها برای سرکوب زحمتکشان عراق و خلق کرد استفاده میکند. رژیم به تازگی ارتشهایی را که اخراج و یا زندانی بودند دوباره در کودتای سنگین اخیر شرکت داده است. دوباره که رگرفته است. افراد زیر همانها هستند که مقول رژیم جمهوری اسلامی بر علیه "مستضعفین" میخواهند کودتا کنند. عجب! وجه شده است حالا دیگر کودتاچی و ضد اسلامی نیستند؟! این افراد عبارتند از:
۱- سروان خلیان آیت (این شخص کسی است که پس از قیام توسط پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شد ولی محده در حمله وحشیانه رژیم به کردستان به کار گرفته شد، این فرد جز کسانی است که در رابطه با کودتاچیان دستگیر شده بود) ۲- سروان خلیان مهدی با ۳- سروان خلیان ناصر سیری ۴- سپهبد منصور پورین - سرهنگ کیمیاگر ۵- سرگرد سیدگلی ۶- سرگرد خلیلی ۸- سرگرد مکفی ۹ - بقیه در صفحه ۲۱



بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

بقیه از صفحه ۱۸ اطلاعیه . . .

همزمان با پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان و توجه بیشتر به مروجت جنبش کمونیستی، وحدت با رفقای انقلابیون آزادی طبقه کارگر، وحدت این رفقا و ما با سدوما نغ دیگری مواجه گشت. این مانع عبارت بود از یک گرایش "گروه گرا" به "درفقای انقلابیون که برخی اختلاف نظرات و ابهامات پیرامون مواضع ما و خودشان را مطلق کرده و وحدت دو گروه را موکول به حل این ابهامات و اختلاف نظرات مینمود. علیرغم توضیحات ما در آن زمان، متأسفانه این گرایش عمل نموده و وحدت دو تشکل را برای چندین ماه به عقب انداخت. در همان زمان برای ما روشن بود که این گرایش، موجبات خرده کاری هر چه بیشتر گروه (و طبعاً ما را) فراهم میآورد. و همینطور هم نشود و گروه برای مدتی حرکت کرده - کارانه و استقلال گرا یا نه خود را ادامه داد.

همزمان با برگزاری کنگره دوم سازمان، ارتباط رفقای انقلابیون و ما دوباره فعال گشت. کنگره رفقای انقلابیون در اوایل خردادماه دوم سازمان برقرار شد، بر حسب توافق طرفین رفقای سازمان در یک جلسه کنگره رفقای انقلابیون شرکت جسته و آخرین مواضع و نقطه - نظرات جدید سازمان را در اختیار کنگره رفقا

قرار دادند. این مواضع منطبق با مواضع رفقای انقلابیون بود. کنگره گروه با توجه به شناخت قبلی از سازمان، مطالبه برخی متون تصویبی کنگره و آخرین مواضعی که سازمان اتخاذ کرده بود، وحدت فوری با سازمان را در دستور کار گروه قرار داد. دو وحدت دو گروه بعد از چند هفته برخوردار شد.

وحدت با رفقای "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" از فزونی تشکیلاتی فراوانی گذشت و تجربیات و درس آموزیهای فراوانی برای دو طرف در برداشت. طی این پروسه ما دیدگاههای وحدت خود را تعمیق بخشیدیم. و به درک عینی تری از ضرورت و اهمیت وحدت جنبش کمونیستی ناآشنا شدیم و در گرایشها و اتحادات آکونومیستی و گروه گرا یا نه که کم بزگروه، در مجموع مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی خویش را تعمیق بخشیدند. این وحدت که حاصل پروسه مبارزه ایدئولوژیک عمیق فی ما بین ما و رفقای انقلابیون میباشد، قدمی است هر چند کوچک در جهت تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران که در عین حال تجربه آموزنده ای برای جنبش کمونیستی ایران نیز بشمار میرسد.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کمونیستها را کاهش میدهند پراکنندگی صفوف آنها است.

این پراکنندگی اگر چه در پروسه مبارزه در جهت ایجاد حزب طبقه و پالایش جنبش از انحرافات غیر پرولتری به وحدت کامل تبدیل خواهد شد، لیکن مبارزه در جهت وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها وظیفه همه نیروهای کمونیست است.

درک ضرورت فشرده تر کردن صفوف خویش در جهت پاسخگویی لازم به ضروریات مبارزه طبقه ای و تحقق آرمانهای پرولتاریا، درک ضرورت وحدت تشکیلاتی نیروهای که از نظرات اصول برنامهای (معیارهای وحدت) وحدت نظر دارند، گروه ما را طی برخوردی انتقادی به گذشته، به سمت وحدت سوق داد و بر اساس وحدت ایدئولوژیک - سیاسی روی مبنای اساسی و مبنای برنامهای کمونیستی گروه ما و سازمان پیکار وحدت تشکیلاتی خویش را تحقق بخشیدند.

مرور مختصری بر گذشته گروه

پروسه شکل گیری محفل، به سالهای ۵۴-۵۲ بر میگردد. این دوران مقارن بود با حاکمیت کامل مشی چریکی. بدنبال غلبه رویزیونیسم بر اجزای کمونیست جهان، مشی آوانتوریستی چریکی در برخی کشورها سر بلند میکند و بخشی از جنبشهای نوپای کمونیستی را به انحسار میکشاند. در ایران نیز مشی چریکی به مثابه واکنشی در مقابل فرمیس، انقلابیون جوان را به مدت ۸ سال دچار انحراف مینماید. در مقابل نقش فاشه این جریان، جریانات محدود دیگری شکل میگیرند که اگر چه به نفع جنبه آوانتوریستی مشی چریکی می بردند، اما به سبب جوانی و ضعف جنبش دچار انحرافات دیگری میگرددند. برخی به راستیب الگومای از انقلاب چین درمی غلطند، برخی به التقاطی از مشی چریکی و مشی سیاسی - توده ای دست میزنند و برخی دیگر به دنباله روی از اقتدار عقب مانده طبقه کارگر می بردند.

وجه مشترک تمامی این جریانات سطح نازل دانش سیاسی و عقب ماندگی مفرط ایدئولوژیک - سیاسی آنها بوده است.

محفل اولیه ما که در ارتباط با برخی جریانات فوق بوده است، زمانی آغاز به تشکیل گرفتن میکند که مشی چریکی به بن بست درونی خویش دچار گشته و نا توانی خویش را در نفوذ بین طبقه و اقشار زحمتکش جامعه به معرض نمایش گذاشته بود.

بدین ترتیب محفل - با طرد اشکال مبارزه چریکی - به سوی کارگزاران هکانه در میماند زحمتکشان سنگبیری میکند، لیکن درک بسیار محدود از ماسیم و وظایف کمونیستی، تنها در شکل با مشی چریکی مرز بندی می نماید و نه در بدین شرایط توان و پتانسیل بالقوه

جایگاهها نگرشدا انقلاب و نا توانی پاسداران نظم کهن است.

روند اعتلا یا بنده جنبش انقلابی از یک طرف و فعالیت اپوزیسیونهای ارتجاعی و رویزیونیستیهای خاشن از طرف دیگر چنان شرایط پیچیده ای را بوجود آورده است که سنگین ترین وظایف و پاسخگویی را از جنبش کمونیستی ایران میطلبد.

اما جنبش کمونیستی ایران که هنوز ناظر بیوند با طبقه در سطح نازل است، دچار رشتنت ایدئولوژیک - سیاسی و پراکنندگی تشکیلاتی است. جنبش جوان کمونیستی ما در شرایطی بسوی ایجاد حزب خویش گام بر میدارد که نهضت - های کارگری جهان اسیر رویزیونیسم - این دشمن مکار پرولتاریا است - غلبه رویزیونیسم (در اشکال گوناگون خود) طبیعتاً انعکاس خود را بر جنبش کمونیستی ایران میگذارد و آثار موردتهاجم ایدئولوژیک قرار میدهند و گرایشها تسلیم طلبانه و متزلزلی را که در پوشش مارکسیسم فرورفته اند تقویت می نماید. زمینه روشنفکری جنبش کمونیستی نیز آنرا در مقابل این تهاجمات ایدئولوژیک آسیب پذیر می نماید.

اما علیرغم تمامی این ضعیفها و تهاجمات شرایط عینی رشد انقلاب و جنبشهای توده ای چشم انداز بسیار شکوهرخشانی را نوید میدهد آنچه در چنین شرایطی توان و پتانسیل بالقوه

جنبش کمونیستی در دوران حساسی بسر میبرد. هم اکنون حدود ۲۰ سال از سرنگونی رژیم سرسپرد شاه می گذرد. مبارزه عظیم و حماسه آفرین توده های زحمتکش مایسب فقدان ستاد رهبری طبقه کارگرنشواست، به پیروزی منجر گردد. بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی توانستند به اتکاء توهم توده ها بر قدرت تکیه زنند. اما تناقضات ذاتی سرمایه داری وابسته ایران چنان بحران عمیقی را بوجود آورده است که تحقق خواسته های زحمتکشان جز با رفع این بحران یعنی جز با نابودی سرمایه داری وابسته امکان پذیر نیست. نهاد و جنبشهای اعتراضی و مبارزاتی توده ها پس از قیام مبنای نگرته میسب مبارزه طبقه ای و سیرا اعتلا یا بنده تحولات جامعه است. رژیم جمهوری اسلامی روز به روز ماهیت سرکوبگرانه و ارتجاعی خویش را آشکارا میسازد و مبارزه کارگران و دهقانان و دیگر توده های عظیم خلق گسترش بیشتری مییابد. پرولتاریای ایران به رغم عدم تمرکز و ضعف آگاهی خویش به علت آنکه در مرکز بحران قرار گرفته و یک تجربه عظیم را پشت سر نهاده است از چنان پتانسیل بالقوه ای برخوردار است که در مقایسه با گذشته خویش تاکنون بی نظیر است. دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه نیز روز بروز به صحنه مبارزه سیاسی پا میگذارند. هر دم اقتار بیشتری از توده ها از توهم بیرون میآیند و متلاطم سیاسی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

رفقا بود، چرا که رفقای گروه علیرغم تلاش خستگی - نا پذیرشان از پشتوانه تبلیغات سیاسی محروم بودند. این امر اگرچه واقعیتی را دربرداشت اما نمی توانست برای ادامه حرکت مستقل از دیگر نیروها کافی باشد، مگر اینکه مرزبندی - های اساسی وجود می داشت.

در ادامه خود، گروه پیرو سه مذاکرات با پیکار را معلق نمود تا دیدگاه های خویش را تدقیق نماید. چنین امری طبیعتاً از درک درستی ناشی نمیشد، چرا که قطع یک پیرو سه تنها در صورت مرز بندیهای اساسی میتوان نادانجا پذیرد و موکول کردن وحدت به یک پیرو سه اشخاص مدرونی، در واقع بیان نگر عدم حقا نیت ایدئولوژیک - سیاسی حرکت مستقل بود. البته در این زمان گروه با درکهای راسترو نه زمان پیکار در مورد بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی اختلاف داشت. اما نکته مهم در اینجا ست که گروه بدون مشخص کردن جایگاه اختلافات و تائید آن در وحدت، پیرو سه وحدت را متوقف گردانید. قایل ذکر است که در این امر رفقای پیکار بر خوردی فعال تر و مولیتر با سه واحد می نمایند. لیکن با فشاری غیر اصولی مادریه سویی انداختن پیرو سه وحدت مانع بر خورد فعال در این زمینه گشت هر چند عدم پیگیری بعدی رفقای پیکار در به تعویق افتادن پیرو سه نیز موثر بوده است.

از طرف دیگر آنچه به حرکت مستقل توانست تا شریک بگذارد، تحول درونی رفقای رزمندگان بود. رزمندگان که از درگیریهای درونی خویش سر بیرون آورده بود، حرکت فعالی را در جهت مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش صورت داد. مدتی گروه بر اساس رادیکالیسم خود تحت تا شریک حرکت رزمندگان را گرفت و بخصوص تزارحافی قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی تا شریک جنبی بر حرکت گروه بجای گذاشت. مدتی را که گروه برای تدقیق مواضع خویش در نظر گرفته بود، بدون یک بر خورد فعال و در پیرو سه حرکات خود بخودی و عملگرا نی سپری گشت، اگر چه در همین دوران گروه جدا قل توانست با تزارحلافی تشکیلاتی روتزکتا ریستی قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی به مرز بندی برسد و با درکهای راست درپوش چپ مرز بندی کند. بخصوص گروه در ارزیابی خود بدین نتیجه رسید که موضع رزمندگان بر روی سوسیال امپر - یا لیسم تا عهد هنده تزلزلات رویزونیستی بوده و جنبش کمونیستی را در مقابل آنها جسم ایدئولوژیک رویزونیسم آسیب پذیر مینماید. عدم تحرک گروه در عرصه تشویک باعث میشد که به جمع بندی تجربیات مبارزاتی - کارگری خویش کم بها، دهد و در مبارزه ایدئولوژیک بسر علیه انحرافات غیر فعال بماند.

در تمام این مدت ضرورت وحدت در گروه احساس میگردد اما بدان بر خورد فعالی نمیشد گروه در ادامه حرکت خود با هم گسترش حیطه های فعالیت خود دست زد بی آنکه رابطه تحکیم و

به سرعت وارد عرصه فعالیت میشود. به تریس رفقای محفل وارد کارخانجات میگردد و در کنار آن آموزش ابتدائی و پیرو سه بر خورد با پیکار را پیش میبرند. رفقای محفل به سبب پتانسیل قوی مبارزاتی و خصلتهای توده ای و کینه عمیق طبقاتی و همچنین روحیه آزما نخواها سدر فعالیت عملی خود به سرعت به موفقیت دست مییابند، ولی محفل که همچنان اسیر خصلت - گزائیها بود به سبب درک محدود خویش از ما رکیسم و وظایف جنبش نتوانست جایگاه خویش را در جنبش شنا سد و وظیفه مبرم خویش که مبیاسیت حرکت در جهت وحدت میسود، درک نماید.

پیرو سه خود بخودی بر خورد با رفقای پیکار بر سر اختلافات جزئی پس از چندین ماه دچار بن بست میگردد. علت اصلی این امر جنبش بود که اولاً برای محفل مسئله وحدت معنی نشده بود و بخاطر محدودیت دید خود از با دو طرف جنبش کمونیستی، درکی مطلق گرایانه از وحدت داشت. بقایای جنبش خصلت گرایانه گذشته سبب میگشت که بر روی خصلتها و خصوصیات افراد تا کیدورزد. موفقیتهای عملی محفلی و مقایسه خود با دیگران در همان حیطه باعث گردیده بود که به خود تونو ناشی خویش بر بها، دهد و در کسبی خود بینا نه بماند. این دو امر یعنی خصلت گزائی و محدود نگری بر خورد! زیلا و غیر وحدت طلبانه را سبب میگشت. ریشه اصلی تمام این درکهای انحرافی در تحلیل نهائی از آنجا ناشی میگشت که محفل ما دید محدودی از با دو جنبش و درک نازلی از وظایف گسترده جنبش کمونیستی داشت جنبش کمونیستی را در همان محدوده فعالیت خویش می نگریست. و موفقیتهای محدود خود را به تمام عرصه ها تعمیم میداد.

از طرف دیگر با دید به ضعفای رفقای پیکار نیز آشا ره کرد. این رفقا فاقد تجربه لازم در بر خورد به محافل بودند و بطور خود بخودی در مذاکرات شرکت می جستند. بر خورد فرمالیستی رفقا در این پیرو سه اساساً عدم توجه و کم بها، دادنشان به وحدت و کار متمرکز و سنجیده روی آن ناشی میگشت.

در این مدت محفل سر بهما گسترش یافته و از نظر کمی رشد میکند. رفقای محفل به سبب قابلیتها و خصلتهای توده ای خویش نقش فعالی در رهبری حرکتهای اعتراضی کارگران ایفا می نمایند. شرکت در رهبری اعتراضات چند کارخانه، رهبری جنبش بیگاری و همچنین جنبش دهقان (بطور محدود) از دستاوردهای این دوره میباشد. گستردگی محفل، ضروریات سازماندهی نوینی را میطلبد که در سطح سازماندهی گروهی شکل میگردد. در این زمان شکل، بفرگرا سلام هویت مفاقتسد. به این ترتیب، گروه بی آنکه در پیرو سه گذشته خویش جمع بندی همه جا نه نماید بدون آنکه با تحلیل از اوضاع جنبش وظیفه مبرم خویش را مشخص نماید بدون آنکه چشم انداز وحدت را دقیق کند، اعلام هویت میکند. انگیزه این امر محدودیت کارگزارانی و تا شریک گزاری فعالیت

کلیت دیدگاههای آن اصول نظری محفل بر اساس مشاهده عدم کارائی و نفوذ کمی چریکی در بین زحمتکشان از یک طرف و با سیفیم محافل روشنفکری از طرف دیگر شکل میگردد و از آنجا که فاقد درکی مارکسیستی بوده نفی هر روشنفکر و اساساً اهمیت عنصر کارگزارانی یعنی دانشم. ل. میرسد. محفل ما شدت کاربندی را مبنای انقلابی بودن میدانست و مبارزه با انحرافات تسلیم - طلبانه و غیر پرولتری را در پیرو سه کاربندی دید. از این رو محفل کار در بین کارگران ساختمانی و کارگران معادن را در دستور کار قرار داد.

آرمانخواهی قوی و کینه عمیق طبقاتی محفل که ریشه در منشأ طبقاتی رفقای محفل داشت، تلاش خستگی نا پذیری را در جهت پیوند با کارگران ساختمانی باعث میگردد. اما به رغم تمامی این کوششها، فقدان زمینه عینی در این بخش از کارگران، کار را مکرراً به شکست می کشاند. محفل به سبب نفی ایدئولوژی و عنصر کارگزارانی بجای پیرو سه سیاستها و پیشهای خویش، عدم موفقیت را در ضعفهای خصلتی عناصر خود می جوید. و مبارزه با این ضعفها را شرط موفقیت تلقی میکند. چنین پیرو سه ای دگمانیسم قوی را در محفل بوجود آورده و خصلت گزائی را در محفل رشد میدهد. محفل ما تا سالهای ۵۷ - ۵۶ به تلاشهای بی ثمر خویش ادامه داد. در این زمان جنبش توفنده و انقلابی توده های خلق، ذهنیات نیروهای سیاسی را در هم میریزد و محدوده تنگ محافل را در می نوردد. محفل ما که جدا از جوسپاسی جامعه در میان عقب مانده ترین بخشهای کارگری کوشش بیهوده مینمود، تا با ورا نه تنها به نظاره جنبش می پردازد و با قیام پر شکوه خلق ناگهان بخود میاید. آرمانهای دگم شده محفلی در مقابل واقعیت مادی که مهربانان بر دیدگاههای پیش وارد میا وردا بتدا دست به مقاومت میزند و حتی نفی دیدگاههای کهنه را رویزونیستی تلقی میکند. اما در بر خورد فعال واقعیت را میپذیرد. در این زمان محفل اگر چه به نفی مثنی گذشته خویش دست میزند، اما این نفی تمام عرصه ها و در بر نمیگیرد و تنها بجای کار در بین کارگران ساختمانی، فعالیت در بین پرولتاریای صنعتی در دستور کار قرار میگیرد. عقب ماندگی فکری - تشویک محفل کاملاً شناخته نمیکردد. مثنی شبه ناردنیکی به درکی محدود و کونومیستی از وظایف تبدیل میگردد. در این زمان محفل با چند تن از روشنفکرانی که از خارج کشور بازگشته بودند آشنا میگردد. این رفقا تحت تا شریک آرمانخواهی و خصلتهای مبارزاتی محفل، بدان می پیوندند.

این هنگام متقارن بود با روحیه وحدت - طلبانه در سطح جنبش و تشکیل کنفرانس وحدت. محفل نیز در صدد ارتباط با برخی نیروها بر می آید که تنها بر خورد با رفقای پیکار ادامه مییابد. در این زمان ترکیب جدید محفل مدت کوتاهی را صرف آموزش اعضا خود میکند، لیکن

بقیه در صفحه ۷

ملاحظات کوتاه

شرح کمونیسم

دوشنبه شب گذشته، باز تلویزیون "ناپرهی" کرد و فیلمی دیدنی از مبارزات مردم فریقای جنوبی علیه امپریالیستها و نژادپرستان را به نمایش گذاشت. این فیلم هر چند جوانب محدودی از مبارزات حماسه آمیز قهرمانان نه خلقهای تحت ستم فریقای قرن بیستم نشان میدهد، ولی یک نکته بسیار بارز در آن نمایان بود: **وحشت امپریالیستها، نژادپرستان و عمال دستنشانده آنها از کمونیسم، ما رکن بنیادین تکیه دار سوسیالیسم علمی در پیش از صد سال پیش بر پیشانی ما نیفتد نوشت:**

"شخی در اروپا (و امروز با بدگوییسم در سراسر جهان) در کشت و گذاشتن، شیخ کمونیسم، همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شیخ متحد شده اند: پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، رادیکا لهای فرانسه و پلیس آلمان. کجاست آن حزب اپوزیسیونی که مخالفینش که بر مسند قدرت نشسته اند تا کمونیستی روی آن نگذارند؟... از این امر دو نتیجه حاصل میشود: همه قدرتهای اروپا اکنون دیگر کمونیسم را بمثابه قدرتی تلقی میکنند، حال تما ما وقت آن در رسیده است که کمونیستها نظرات و مقاصد و تما بلات خویش را در برابر همه جها نیسان آشکارا بیان دارند و در مقابل افسانه شیخ کمونیسم، ما نیفتد خود حزب را قتلوار دهند. سرما به داران و دشمنان طبقه کارگر در هر لباس و چهره ای که باشند، وحشت از آن شیخ خواب راحت را از چشم نشان میگیرد. بی جهت نیست که رژیم جمهوری اسلامی اینقدر از کمونیسم میترسد. حتی مجاهدین خلق را هم در رابطه با نزدیکی به کمونیستها اینقدر مورد حمله قرار میدهند و آنها را تحت فشار میگذارند که اول رابطه - تا آن را با کمونیسم مشخص کنید و کمونیستها را "نجس" بدانید تا جواب سلامت را بدهیم. اما امروز کمونیسم دیگر شیخ نیست، واقعیت است و سرانجام آن سرما به آری را خواهد گرفت."

با وعده بهشت، جهنم برپا می کنند

نیروهای ضد انقلابی حاکم بر دوشکورا بران عراق جهنمی برافروخته اند که هیچ مژگان زحمتکش و سرما به های ملی هر دو کشور است. گروه گروه از توده های ستمدیده و زحمتکش ما به این جهنم سوزان و ویران کننده گسیل میشوند و به آنها گفته میشود که به بهشت میروید. وقتی اما ما جمع را می بینیم که از طریق گسترده ترین

چرا همه فرماندهان ارتش "حر" اند؟! فهمید!

همین ترتیب تیمسار مدنی و تیمسار شاکر و تیمسار قری و سرهنگ فکوری تیمسار رظیهر - نژاد و تیمسار رفلاهی و... نیز همه "حر" نام گرفتند و کمونیستها و دیگر انقلابیون که چهره واقعی این فرماندهان را افشا میکردند، "ضد انقلاب" و "کافر" و "منافی"!

با این وضع مردم ما حق دارند از سران رژیم جمهوری اسلامی سوال کنند که آقا با این اولاد چگونه همه فرماندهان جنایتکار ارتش شاهنشاهی بیکاره "حر" شده اند؟! ما سا! کرابین عده "حر" میباشند چرا وقتی ما همت آنها توسط نیروهای انقلابی افشای می شود با فاصله اندکی، از مناصب خود، معزول می گردند؟!

های عربی و صهیونیستی (در فلسطین) بود که گره در خارج افتخاری بسیار آورد لیکن در داخل دستاویزی شد برای اعلام حالت فوق العاده و برقراری حکومت نظامی و قلع و قمع مخالفان. (ادرا ورمیا نه چه گذشت صفحه ۴۳۱)

استفاده از فرصت خارجی برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیستی داخلی در ایران نیز بارها عملی شده است. مثلاً بعنوان "مبارزه با آمریکا" و "حمایت از فلسطین و روز قدس" به کردستان لشکر کشی میکنند، بعنوان "مقابله با تجا و عزراق" به خلق کرد حمله می نمایند، به عنوان جنگ با عراق، سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی داخلی و ایجاد خوفا و ترس را در دستور میگذارد. تا دل آسوده نظامیها به داری وابسته را با زبانی نموده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را سرکوب سازند. در عراق، رژیم نوری سعید از فرصتی که تازه گردید استفاده دیگری نیز کرد و آن اینکه افسران بیژن و مترقی نظیر عبدالکریم قاسم را بعنوان گوشت دم توب به فلسطین فرستاد تا از "شر" آنها راحت شود.

(۲) - رجوع شود به کتاب "جنشنا سیونا - لیستهای عرب" از نشریات جنبه خلق برای آزادی فلسطین.

دستگیر شده اند میتوانستند عراق را بمباران کنند. بنی صدر از دادستان کل انقلاب میخواهد که تعدادی از خلبانان کودتاچی را آزاد کند. دادستان از این کار امتناع کرده، بنی صدر پیش اما میبرد و مسئله را با اودر میان میگذارد امام طی نامه ای از دادستان میخواهد که آنها را آزاد کنند. بنی صدر به زندان رفته با خلبانان در مورد آزادیشان و شرکت در جنگ صحبت میکند و سپس آنها را آزاد میکند!

واقعاً چرا رژیم جمهوری اسلامی افسران سلطنت طلب را به خدمت میگیرد؟ زیرا همه بخشهای صدا انقلاب دارای منافع مشترکی در برابر توده ها و انقلاب میباشند.

وقتی سرهنگ توکلی اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی شد و کمونیستها و نیروهای انقلابی، سابقه همکاری او با ساواک و غیره را افشا کردند، با زرگان و آیت الله خمینی و دیگر قدرتمندان رژیم جمهوری اسلامی گفتند که "حر" است و شما کمونیستها "ضد انقلاب"!

وقتی پتداین جناب بر روی آب افتاد و تیمسار قهرنی عامل معروف امپریالیسم آمریکا جای او را گرفت، باز در مقابل افشاکاری انقلابیون گفتند و نیز "حر" است! وقتی تیمسار فرسید بجای او آمد با زرد جواب ما که وابستگی او به امپریالیسم آمریکا و کتبا و در نتیجه از نظام شاهنشاهی و سبزه زار شاه و محمد رضا شاه افشا کردیم (بیکار ۶، مورخه ۱۴ خرداد ۵۸) گفتند این یکی نیز "حر" است و شما "ضد انقلاب" ها این را نمی

نگاهی به...

بقیه از صفحه ۱۱

(۲) - در دوران جمهوری اسلامی "مدشده است (و این طبیعی است) که قضاای تاریخ را از عینک فعالیت روحانیون ببینند. بارها شنیده ایم که از نقش رهبری روحانیون شیعه عراق در انقلاب ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۸ سخن میگویند. ما در جای دیگر شاید بتفصیل بتوانیم سخن بگوئیم ولی گفتنی است که توهمات توده ها در عراق (همانند ایران) که روحانیون را برای سواری بروج قبا مهیای توده ای از خانه ها و حجره ها بیرون میاورد، جزیه سازش با ارتجاع نباشد میده است. مثلاً دوروز پس از استعفا مالح جبر، بقول تاریخ نگار: "تشکیل کابینه به سید محمد صدر (از خانواده آیت الله صدر) یکی از ناسیونالیستهای شیعه و گذار شد. گرچه نخستین جلسه هیات دولت، لغو کامل و نهائی پیمان پورتسموت را اعلام کرد ولی بحران و آشوب سراسری چندان آرامی که ما به دلگرمی زما مداران عراق باشد پیدا نکرد. در تاریخ ۱۵ مارس بیمانی همانند پورتسموت میان اردن و انگلیس بسته شد و این ما به دیگری برای برافروخته تر شدن آتش ختم سراسری بود. در این هنگام تنها روزگانه دیده که پیرای حکومت عراق پیدا شد چنگ ما ده ۱۹۴۸ ارتش

منتخبی...

رتیب صیاحت، خوب است بگوئیم سرگرد بیدگلی چه کسی است تا بیشتر او را بشناسیم: سرگرد بیدگلی کسی است که او بیسی جلاد را با هوا بیما ای اف - ۵ از ایران فراری داد و به اسرائیل رسانید.

آزادی خلبانان کودتاچی یکی دیگر از خیرات جنگ

در هنگام حمله همه جانه هوایی عراق به ایران، بنی صدر به نیروی هوایی رفته است تا نیروها را ارزیابی کند در آنجا به او گفته میشود که تنها خلبانانی که در رابطه با کودتا

ملاحظات کوتاه

وسا ئل تبلیغاتی آنچنان تهییج کننده، توده‌ها را توهمنده را به بیها نه‌شهادت به کام مرگ میفرستد، وقتی ها شمی رفسنجانی را میسنوی که مردم را به امید اینکه در آینده به زیارت کربلا خواهند رفت تشویق به تحمل مما شب طاقت فرسا و مرگ و باصطلاح شهادت میکنند و به مسلخ میفرستد و... چاره‌ای ندارد جز آنکه از اینهمه سو استفاده که از احساسات ما دفا نه‌وا نقلایی توده‌ها علیه منافع واقعی شان انجام میشود احساس نفرت کنی و با توده‌های زحمتکش و کارگران و آرمائیه‌های انقلابی آنان در بیمان بیندی که دشمنان آنانرا در هر لباس و چهره‌ای که باشد فشا کنی و در مبارزه قاطعا نه‌با آنها لحظه‌ای تردید روانداری

صفحه کشف خانه‌های تیمی!

صفحه فروشیها "از برکت انقلاب اسلامی" تعطیل شد اما یک صفحه‌ها که پرویز شایان خاشن بدان بسیار علاقمند بود هنوز طرفداران زیادی دارد. یادمان هست هر از چند وقت "مقام منیستی" میا مدیشت تلویزیون و از کشف خانه‌های تیمی و "ورابطه‌ها مشروع" و متلاشی شدن یک گروه کمونیستی و تروریستی "حرف میزد و عکس و تفصیلات تکراری را در روزنامه‌ها میا و درند. آن "صفحه" آنقدر تکرار شده بود که دیگر چندان آوریود تا لاهم در روزنامه‌ها هر چند روزها منصفه را بسا مارک جمهوری اسلامی پیش چشمان میگذارند که:

یک خانه تیمی کشف شده است و در آن مثل قوطی عطاری همه چیز را بافته اند از علامیه‌های فدائیان و مجاهدین بگیر تا نشریات کمونیستی پیکا رو کومله و دمکرات و عکسهای شاه و فرج (ردالت را ببینید!) و با لایحه دختر و پسر در آنجا بوده اند و قرص ضد بستنی و...! همین و "صفحه" تمام میشود.

و تشوئع میکنی که چرا از این دروغ‌های گویلیزی بیشتر نیافتند؟ میگویند یکی که حرف حساب میزد چند کلمه گفت و ساکت شد و دومی که دروغ میگفت پس از مدتی و راجی خسته شد و ایستا دوطرفی به ادب گفت اولی که حرف حساب داشت حق داشت ساکت شود اما تو چرا ساکت شدی؟! آقا بیا! اگر تا بستی از این دروغها طرفی بست شما هم می بندید!



ایران و عراق توسط عراق تعطیل شد یا دکرده - ایدولی ننوشته اید که چه کسی در ایجاد و دلره این رادیوهای مخفی نقش اساسی و فعمال داشتند. آیا آنها جز رفقای ما بودند؟

این را هم نگفته اید که زما نیکه رفقای ما در زندان بغداد شکنجه میشدند (رجوع شود به صفحه ما حبه با رفیق حسین روحانی)، زما نیکه رفقای ما به فعلیت انقلابی و مخفی خود در زیر پوشش های مختلف منجمله در پوشش فدائی فلسطینی در عراق هم علیه رژیم شاه و علیه خمین رژیم بعثی عراق مشغول بودند شما چه میکردید؟ مسأله رزه انقلابی علیه امیرالاسم و ارتجاع در ایران و در دیگر کشورهای منطقه برای ما امرتسا زهای نیست، سا بقدمالیا ن دارد.

در آخر سرمقاله کذائی اطلاعات، با ارائه درک تخریب شده‌ای از "جنگ داخلی" به ما حمله کرده و آنرا "دم خروس" نامیده است. هما نظور که ما با رها توضیح داده ایم، منظور ما از جنگ داخلی نه آنطور که شما میخواهید بگوئید، بمعنی برادر کشی، بلکه دقیقا بمعنی جنگ عادلانه زحمتکش و ستمدیدگان یک کشور علیه سرما یه داران و نیروه‌های ضد انقلاب خودی است. جنگ در چین، روسیه، نیکاراگوئه و... جنگ داخلی است. ما شما ر جنگ داخلی را بعنوان یک شعار استراتژیستیک در شرایطی که موقعیت که انقلابی فرا همیاد، نه امروز، مطرح میکنیم. آنچه منظور ما است تدارک برای چنان جنگی است و از طرح این شعار، نه تنها ابائی نداریم، بلکه آنرا وظیفه انقلابی خویش میدانیم. شعار "برقراری دهمپهوری دمکراتیک خلق" که از پیش از قیام و بعد از آن مطرح کرده ایم جز بمعنی مبارزه انقلابی زحمت کشان برهبری طبقه کارگر در راه ایجاد آن جمهوری نیست.

روند مبارزه طبقاتی که مسلما به پیروزی طبقه کارگر خواهد انجامید نشان خواهد داد که "امریکا بی" چه کسائی هستند! ما با زهم تکرار میکنیم که مبارزه با امیرالاسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست!



بقیه از صفحه ۱۰ پاسخ...

از طریق دامن زدن به اختلافات قرون وسطائی مذهبی و فروختن جنگهای ملیستی، بلکه از طریق حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان عراق و نمایندگان سیاسی آنهاست.

شما وقتیچه ننوشته اید که ما بکطرف جنگ را یعنی ایران را محکوم کرده ایم (۱) در صورتیکه موضع انقلابی ما علیه رژیم بعثی و ضد خلقی عراق نه از امروز بلکه از سال ۵۴ و ۵۵ در سطح منطقه خاور میانه پخش شده است. ما تنها نیروی سیاسی ایرانی بودیم که در باره اختلافات ایران و عراق و محکوم کردن رژیمهای شاه و صدام حسین نه تنها به زبان فارسی بلکه به عربی نیز کتاب منتشر کردیم. کاری که بسیاری از نیروهای مبارز منطقه عربی جرات را نداشتند ماسکوب خلق کرد در عراق، اخراج فاشیستی هزاران نفر - از ایران تا ن مقیم عراق چه در سالهای گذشته و چه در دوره اخیر را همواره محکوم کرده ایم. ما طی همین جنگ اخیر طی دوترکت به زبان عربی از سر بازان و زحمتکشان عراقی خواستیم که سلاحهای خود را به بر روی زحمتکشان ایرانی بلکه علیه رژیم ارتجاعی بغداد بگردانند. بد نیست جدا قیل نه ورق باره "بسام جمعه" که حالا بجای "منافق" از سوی حزب جمهوری اسلامی منتشر میشود نگاه کنید تا در شماره ۱۵ مهر آن تراکت ما خطاب به "سر بازان در جده داران و افسران انقلابی و میهن پرستان ارتش عراق" را که نشان را دعوت به قطع این جنگ غیر عادلانه و تبدیل آن به جنگ علیه ارتجاع حاکم بر عراق می نماید ببینید! این شما هستید که با اصطلاح "مبارزه علیه رژیم صدام" را با حرکت از بعثی و "کافر بودن او" و از موضعی ارتجاعی در این اواخر شروع کردید. این شما هستید که چون دستتان به خون خلق کرد آغشته است در برابر آنهمه جنایات بی حساب رژیم عراق علیه خلق کرد در آن کشور سگوت کرده اید.

شما از تعطیل رادیوهای میهن پرستان، سر و سر و روحانیت مبارزه کرد در سالهای گذشته علیه رژیم شاه فعلیت میکرد و پس از قرارداد بیسن

بقیه از صفحه ۲۲ سفر...

دست بشوید، اما بخصوص در سطح رهبری حزب آزادی گروگانها مورد تصویب قرار خواهد گرفت) واقعیا نشان میدهد که هر چند امیرالاسم آمریکا می کوشد از این جنگ در جهت تضعیف جناحی از رژیم بهره گیری نماید، ولی در عین حال عاملی برای عادی کردن روابط با امیرالاسم خرید سلاحها، قراردادهای بیشتر با ارتشبار اقتصاد و نظامی و... خواهد بود. سخنان هفته پیش رهبری آمریکا و سخنان متقابل ر حاشی این واقعیت را تا ناید می کند. اگر چا دشه غیر مترقبه دیگری رخ ندهد، جنگ غیر عادلانه کنونی فرصت مناسبی به رژیم میدهد که برای عادی تر کردن روابط با آمریکا، گروگانها را آزاد کند.

بقیه از صفحه ۸ لهستان...

دیگراست. بدین لحاظ اگر نیروهای کمونیستی لهستان فعلیت سیاسی و سازمانی خود را در میان کارگران گسترش ندهند، اگر آستان بورژوازی، حزب و دولت حاکم را وسیع افشا نکنند و در جهت سرنگونی آن فعلیت پیگیر نکنند اگر کوششهای بورژوا، امیرالها و مرتجعین مذهبی را رسوا نمانند، و اگر سوسیال امیرالاسم روس و امیرالاستهای غربی، رویزیونیستهای چینی را بر ملا نکنند، مبارزات پرولتاریای لهستان به انحراف کمال درخواهد غلغلیت. کمونیستهای لهستان باید بکوشند تا جنبش کارگری را زیر رهبری خود در آورند. این است تضمین پیروزی پرولتاریای لهستان در مبارزه علیه بورژوازی حاکم.

بقیه از صفحه ۲۴ سفر...

در حرف بوده با: بر عمل؟ شما نماینده‌های دروغین خدا میربا لیسیتی بعثتیا را میبینید، نماینده‌هایی که بسیار بر طرف طراقت تراز نمايشهای خود نشان بوده است (تسلیمات بر حروصدا برای فلسطینها، دادن رادیو به مخالفین رژیم آمریکا شی شاه و تشکیل هیئت‌ها با صلاح خدا میربا لیسیتی و...) اما "دروغی شعار عمل" خودتان را میپوشانید! بیچاره رژیم! آنتنگام که با دکنگ مبارزه با امیربا لیسیرا با دمیکرد، نمیدانست که هنگام آزادی آنها را این با دکنگ می ترکند. نوکیدن این با دکنگ نه تنها رژیم بلکه روبروینسهای خاشن نوده‌ای سه‌جانبی ر اکثریت فدائی را نیز رسوا میکند و پسرده از گرایشات روبروینسی نیروهای چگون رزمندگان نیز می‌داند که این با دکنگ را مبارزه‌ها میربا لیسیتی دیده بودند و پشت این با دکنگ، تلاش رژیم را برای تثبیت سرمایه داری وابسته، فریب توده‌ها و دامن زدن به توهمشان منحرف کردن ذهن توده‌ها از مبارزه خدا میربا لیسیتی و کمب آما دگی بیشتر برای سرکوب انقلاب را نمی دیدند.

سوم - اعلام آمادگی و طرف برای نمایش

اگرچه شروع نمایش فقط بکطرف (حزب جمهوری) تمایل داشت، اکنون برای پایان دادن آن هر دو طرف اعلام آمادگی میکنند! اعلان رفتن رجائی به نیویورک، خود چراغ سبزی به امیربا لیسیرا آمریکا برای آزادی گروگان ها بود. مسئله گروگانها که از بظرف از موضعی انقلابی ایجاد نشده بود، از طرف دیگر برای آمریکا نیز زیبا دخواست بنده بود حزب جمهوری کوشیده بود از مسئله گروگانها برای تقویت خویش در هیئت حاکمه استفاده کند و توده‌ها را بفریبد اگرچه از این لحاظ سود جانی از رژیم جمهوری اسلامی بود، اما بی آنکه خود بخواهد با زسازی کامل و همه جا سرمایه داری وابسته را دچار مشکلاتی مساخت، امیربا لیسیرا آمریکا ولیبرالها بخاطر این مشکلات آن را درست نمی دانستند. در حالیکه جناح حزب جمهوری برای تقویت موضع خود آن را لازم میدانست، اما اکنون حزب جمهوری نیز که استفاده تسلیماتی خود را از آن به اندازه کافی کرده است، خود را آماده میکند به مسئله خاشه دهد. چرا که مسئله تحریم اقتصاد و نیز احتیاج به وسایل یدکی و تسلیحات جنگی برای مفا بله با عراق در سیستم اقتصادی وابسته ایران، مفا بل بی اهمیتی نیستند و حزب جمهوری نیز که مانند لیبرالها در جهت با زسازی کامل سیستم سرمایه داری وابسته میکوشد، نمیتواند نسبت بدان بی توجه باشد. چنین است که آقای کارتر، ماسکی، برزیسکی و خلاصه همه کله گنده‌های امیربا لیسیرا آمریکا در هنگام رفتن رجائی به نیویورک، برای نشان دادن محبت خود به رژیم جمهوری اسلامی، تا آنها میروند که عملاً در جنگ ایران و عراق به حمایت

از رژیم ایران سرمایه‌برند، آنها عراق را معاوضه مینمایند و اخطار میکنند که از تحامیت ارضی ایران حمایت کرده، تحریر آن را تحمل نخواهند کرد. آنها آمادگی خود را برای انواع کمکهای تسلیحاتی و... برای جنگ ابراز داشته و آنرا مشروط به آزادی گروگانها میکنند و در نقطه قابل آقای رجائی نیز حل مسئله گروگانها را را به آمریکا نوید میدهند و سخنان آشتی جویانه و ملائفت آمیز بر زبان می‌آورند. رجائی در مواجهه مطبوعاتی در نیویورک میگوید:

"فکر میکنم که دولت آمریکا با همه‌ها منظوری که تظا هریه آمادگی برای حل مسئله کرده است، در نظر داشته باشد که برای یکبار هم شده به تمهیدات انسانی خویش حاشه عمل ببوشاند... میدوادم در مقابل حرکات انسانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، دولت آمریکا تمهیداتی را که هم اکنون برای انجام آنها اعلام آمادگی میکند، فراموش نکنند." (اطلاعات ۲۷ مهر) رجائی آزادی گروگانها را با زبانشان دنبیلو ما تیک حرکات انسانی نام مینهداد و در همین مواجهه میگوید: "مجلس شورای اسلامی با درک کامل نسبت به احساس غانوده‌های این زندانیان "مسئله را دنبال میکند.

پس از آنکه رجائی به ایران سرمایه‌گردنیز قول و قرارها تکرار میشود، او در مواجهه اخیر خود در ایران آزادی گروگانها را بطور عریسان وعده میدهد، منتها قسم بخورد که ربطی به مسئله خرید و سائل یدکی ندارد (که به زبان دیپلماتیک یعنی دارد!) او میگوید:

"آزادی گروگانها ربطی به جنگ و وسایل و قطعات یدکی ندارد... ما گروگانها را مساله نمیدانیم و برای ما مسئله نیست و اکنون نیز در حال حلش هستیم... ما به نتیجه‌ای که از گروگانگیری انتظار داشتیم رسیدیم... (کتابان ۳۰ مهر تا کید آزماست)

پس آنهمه تبلیغ مستی بر ما که آمریکا اعداد ما جوسوها و... کجا رفت؟ آری، با دکنگ دارد مشترک!

چهارم - اول نمایش: شیطان بزرگ، آخر نمایش: تکامل معنوی

هنگام گرفتن سفارت خا طرتان هست، به آمریکا چه می گفتند: جالا گوش کنید آقای رجائی سخن از حسن نیست و تکامل معنوی امیربا لیسیرا میگوید:

"من اسن مطلب آخر را بعنوان نشان دادن آنرا حسن نیست دولت آمریکا در زمینه حل مسئله بحران بین دولت آمریکا و مردم ایران میدانم." (اطلاعات ۲۷ مهر)

آقای "خدا میربا لیسیرا" بحران در لیسیرا آمریکا و مردم ایران فقط با ناسودی امیربا لیسیرا حل میشود. امیربا لیسیرا نمیتواند حسن نیست

داشته باشد. شما که تا دیروز برای قرب مردم از شیطان بزرگ صحت میکردید، امروز شروع به تلمیص امیربا لیسیرا کرده‌اید برای این سلطان حسن نیست فاشل میشوید! شرم آورنرا از این مسئله توبه امیربا لیسیرا است آقای رجائی سخت وریر "خدا میربا لیسیرا" میگوید:

"اجرای این شرط (یعنی عذرخواهی آمریکا - پیکار) به علت انسانی بودنش، نه تنها ساده تر از سایر شرایط شده است، بلکه میتواند بعنوان یک قدم برای جلوگیری از تها و زرد آبنده تلقی شود و به اعتقاد ما یکی از مراحل توبه که سنا نه تکامل معنوی یک دولت می‌تواند باشد، تلقی خواهد شد."

(اطلاعات ۲۷ مهر)

پس اول امیربا لیسیرا آمریکا، شرایطی را که انسانی تر است ساده تر میبیرد. تا سنا اگر امیربا لیسیرا عذرخواهی کرد، این تکقدم برای جلوگیری از تها و زرد آبنده است (انگار امیربا لیسیرا قول و قسم می فهمد که چیست؟) تا لئا و از همه مهمتر امیربا لیسیرا میتواند توبه کند و به تکامل معنوی دست یابد!

واقعا که آقای رجائی خلی خدا میربا لیسیرا است! امیربا لیسیرا که آقای رجائی تعریف میکند انسانی است، تکامل پیدا میکند و اگر قول بدهد کاربندی انجام نمی دهد! اما خبسر آقای رجائی، توده‌های مارانمی توانی فریب بدهی خون هزاران شهید مبین ما از سرانگشان این امیربا لیسیرا "انسانی" آمریکا می جکد و رنج و استنما و فقر رحمتکشان مبین مسال و میلیونها تن در سرا سر جهان ناشی از ما هیست کشیف این امیربا لیسیرا خونخوار است. در ذات امیربا لیسیرا تها و زنهفته است امیربا لیسیرا اگر توبه کند، ممبرمیرد. آتش آنقدر شور بود که حتی لیبرالهای از قماش بزدی و دامادش تیریه آقای رجائی در مورد امیربا لیسیرا درس میدهند. لیبرالها به رجائی میگویند توبه گرگ مرگ است. آقای رجائی آنقدر در تعلق گویی به امیربا لیسیرا جلورفت که به لیبرالها جهت عوامفریبی بیشتر امکان مخالفت خوانی داد. حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان مجلس صافرت رجائی و استانبوسی امیربا لیسیرا تقدیر کردند و نشان دادند که پشت سر این سخنان رجائی ایستاده اند.

کلام آخر - جنگ، جمهوری اسلامی و

امیربا لیسیرا پیش از پیش بهم جوش میدهد

با بددانت، گذشته ارتما بل عمومی رژیم به آزادی گروگانها که در جها شرط نازل آبت - الله خمینی نیز مشهود بود، جنگ اسن مسئله را تریع بخشیده است. (با بددانت که احتمالاً جناحی از حزب جمهوری اسلامی کماکان بر عدم آزادی گروگانها فشاری خواهد کرد. چرا که حاضر نخواهند شد هنوز ما را این کالای توهم آور

بقیه در صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۲۴ **شهادت...**

آیت الله خمینی در ۸ مهر من حملند...
رحمتگشان خرمشهر که نمخواستند در حاکم...
عادلان کتونی و در راه منافع سرمایه داران...
کشور گشته شوند، به کاسی کد در راه دفاع...
رژیم گشته میشوند، و ندیده مدهود بوده...
به شهادت دعوت میکند، آیت الله مسطری، حرب...
جمهوری اسلامی، روحانی، بنی صدر، متکیسی...
خلخال، غفاری، سما بندکان مجلس و...
همه دست اندرکاران رژیم، بوده های ماریسه...
شهادت در راه جمهوری اسلامی فرا میخواند...
فلسفی واعظ خود فروغ و حوض زمان شاه...
بهبخت برای شهدان منافع رژیم بخش...
واعظان، خطبان، روزنامه های وابسته...
تلویزیون کوی سیقت را در تبلیغ...
نکند کرد رسیده اند، روی بونیستهای...
برنامه داری سیر در این، گونا می...
ارز خسرو ما مردم گرفته تا کار (اکتربست)...
بوده ها را به مردن با به اصطلاح...
دعوت میکنند، آقای خامنه ای...
سردمداران رژیم، خارج از کودتا...
بوده ها تبلیغ مردن در راه منافع...
را میکند و دیگر همی لکی ها نیز که...
قدرت به حفظ زندگی و حاکم و...
سخن شهادت را برای دیگران می...
نما زحمت ۲۵ مهر خود میکند:

پاراداران و خواهران من، شهادت...
جهاد است، خدای متعال نگاه...
جهاد کنین و جهاد کاری دشوار است...
بخت است، در آورنج است پیش...
رنج گران می پیرد و با جد جریز...
بگردد، اجر بزرگ مآ هادان...
شهادت است هیچ اجری بالاتر...
کشدن در راه خدا است، (صح...
۲۶ مهر)

را دستور اکذیاری مکنی، تبلیغ...
روزنامه ها را که میخوانی، سخن...
مکنی، همه مردم را به رفتن...
بهت دعوت میکند، اما واقعیت...
بنت انثال سبحان حاکم های...
طبقاتی قرار دارد؟

واقعیت این است که رژیم...
رژیم عراق برای منافع...
یکی با حمایت اردو رسته...
وقباده موقت و گروه های...
حزب الدعوة و احوان المسلمین...
دیگری ایجاد اخلال میکند...
ایوبی و یخسنا رحمانیت...
زیر فشار گذاردن رژیم...
با ختن، با مصالح عراق...
توسعه طلبانه سوز زاری...
"نحاذما هیرا اسلامی" و...
بزرگ "ازیکسو ما به امیر...
کردن این منطقه با زار...
سلاحها و با سیر موسسات...

نوسط جنگ و بیهرموت افزایش...
کمونئی دوکتور به امیر...
یا لبیم آزوی دیگر، آتش...
است که شننا زحمتگان...
میشوند.



ما کمونیستها از مرگ و شهادت...
جد مسلمون شهادی کجوست...
کا موح و جیس و آلانی و...
آزادی بخشان سگرد...
اتحاد سواری اسائن را...
دوم جهانی سسند...
ایران در سیر دولت...
اکنون به سده در کردستان...
جای میهن چکونه کمونیست...
منافع توده ها شهید...
و نیروهای انقلابی...
و ستم سرمایه داری...
رژیم بنوده ها را...
میکد اردوان را به...
تبدیل کرده است...
است، ما میگوئیم...
ما مه، مرگ و کسنا...
به ارمان آزرده...
در راه منافع سرمایه...
مکون سیهادت در راه...
سرمایه داری انفعال...
بر احنا دهفتا در...
مردوریا کذا شتید...
برای منافع سرمایه...
رحمتگان ما هدیه آورده...
● ● ●

اما رژیم تنها نمحوا...
جمبه ها به کتن...
در شهرها نیز رژیم...
آنها جان زحمتگان...

رژیم بحای آنگ...
غیر نظمی را...
بر اساس منافع...
این تپورس دعوت...
خواهند به کون...
شروع به...
معلوم نیست...
کنند بود؟!...
زحمتگان ما...
خود میداند...
در این او...
با در زرم...
زنان و کودکان...
با ما م...
جک رده...
اعلامه...
شهر...
با انتشا...
ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دولتی مباحدا که...
همه روزه لیست...
را در بیان وقت...
اerial کنند...
در صورت عدم...
خراب زمان جنگ...
شهران ۱۲ مهر

آرورا و پرویس...
خان اردان...
سازید...
سویتر...
سند در...
کاربان...
اما محمد...
سکاسی...
اسران و...
سرا رکوح...
وار مردم...
شان...
با اردان...
...
حمیروی...
و "سون...
سیرت...
سما...
ورتنکی...
کنند...
آمدن...
کند...
چسب...
ند."

برای موروزاری...
ندارد...
کد...
حب...
اس...
بوس...
آری...

زحمتگان...
سرای...

سرای...
سرای...
سرای...

سرای...
روری...

سفر رجائی به نیویورک

یادداشت‌های سیاسی هفته

خون زحمتکشان و کودکان وثیقه جنگ سرمایه داران

حمله موثقی دیروز به دزفول و بسماران هفته گذشته کرمانشا که از سوی رژیم جنایتکار ربهست صورت گرفت، منجر به شهادت صدها مرد و زن زحمتکش و دانش آموز خردسال گردید. شهادت این عده و بسیاری دیگر از زحمتکشان ایران و عراق در این جنگ، بار دیگر نشان داد که این زحمتکشان دو کشور نده که گوشت دم توپ و قربانی این جنگ ارتجاعی هستند!

وعده پایان پرده اول نمایش ضد امپریالیسم

اول شرکت در شورای امنیت

آقای رجائی نخست وزیر مکتبی، خط امام و به اعتبار رژیم و روزیونیستها "فدامیریالیست" به نیویورک سفر کرد تا در اجلاس شورای امنیت شرکت کند.

رادیو - تلویزیون و مطبوعات وابسته به بوق و کرنای تبلیغاتی این مسئله را منعکس کردند و هیچ بروی خود نیاوردند که چگونه شرکت در اجلاس شورای امنیت را در گذشته، رادیو - تلویزیون و مطبوعات زیر سیطره حزب جمهوری اسلامی، سیاست سازش با امپریالیسم و لیبرالیسم نام نهاده بودند!

آقای رجائی نخست وزیر "منتخب همان حزبی است که هنگام ورود و ایلداهایم، رئیس سازمان "دول متحد" نه ایران، عکس دیدار این دلال امپریالیسم را با ناه و فرج انداخته و شورای امنیت را فاقد هرگونه ارزشی دانسته، عدم شرکت خود را در این "ارگان زیر سلطه امپریالیستها"، یکی از مبارزات بزرگ علیه امپریالیسم قلمداد کرده بودند! البته آقای رجائی که جا رو جنجال های مخالفت با شورای امنیت را بخاطر داشت، برای نگهداشتن ظاهر مریسه شورای امنیت انتقاد نکرد و گفت که برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران بگوش مردم دنیا به آنجا نرفته است. اما یک سوال، البته این عوام فریب زار روی آب میآورد، چرا در جریان سفارت برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران به شورای امنیت تنها مدید، اگر آمدن تا به شورای امنیت هدفی جز رساندن ندای مظلومیت به گوش مردم دنیا نداشت، پس چرا خود را از این "تربیبون" در آینهنگام محروم ساختید، چرا بنی صدر که با سیاست آمدن به شورای امنیت، بیست وزارت خارجه را پذیرفته بود، پس از دوسه روز جای خود را به قطب زاده دایوبلندگوه های تبلیغاتی رژیم شرکت در شورای امنیت را سازش با امپریالیسم قلمداد کرد. به این حرف ها بهانه است!

شما آن بار در شورای امنیت شرکت نکردید، چرا که این امر لازمه نمایش فدا امپریالیستی تان

بود، چرا که شما عرفین الطلی را شکستن و دعوا های دیپلماتیک و ظاهری را به وفحش دادن و کروکنا کردن دنبال شما و... را می - خواهید میارزه علیه امپریالیسم جازینسد و برای تکمیل نمایش لازم بود تا در این عرصه نمایشات دیپلماتیک شرکت نکنید.

شما آن بار در شورای امنیت شرکت نکردید برای اینکه اول نمایش بود، در حالیکه الان شما دارید مقدمات با این نمایش را فراهم می - آورید و چنین است که شرکت در شورای امنیت، این بار نه به معنای سازش با امپریالیسم، بلکه موفقیتی بزرگ برای "اسلام" و "مکتب" حاکم زده میشود.

دوم - مبارزه "ضد امپریالیستی رژیم بادکنکی که داردمی ترکد!

آقای رجائی در سخنرانی در شورای امنیت به مسئله حالی اشاره میکند، او در مورد عراق میگوید:

"در حالی که شعارهای تند صهیونیستی سر میدهد، هرگز قدمی عملی علیه منافق صهیونسم و نیز آزادی فلسطین برداشته و بر نخواستار هدایت... اگر موضع ضد امریکائی بعث عراق از حد حرف تجاوز نمی کنند، چرا... آیا این چیزی جز یک ما مورست آمریکا با تظا هرند آمریکا نیست؟ مردم جهان بخوبی چنین شیوه ها کسی را میشناسند، در همین سالهای اخیر بود که رژیم دست نشانده انگلیسی "یان اسمنت" را در زمبابوئه ها هدایت کرده که چگونه به آریا نشان ساز گفته و حتی به ظاهری وی بیای می شود." (اطلاعات ۲۶ مهر)

پس آقای رجائی معتقد است که عراق در حرف ادعای فدا امپریالیستی داشته... امپریالیسم دشمنان داده و حتی با آن قطع رابطه کرده، در تبلیغات خود بوق و کرنای جنگیدن با صهیونسم و امپریالیسم داشته در حالیکه عملاً چنین نبوده است. خوب آقای رجائی خودتان چه کرده اید؟ مبارزه فدا امپریالیستی خودتان

"شهادت"

"گوشت دم توپ کردن توده ها" "دکان پر درآمد جمهوری اسلامی"

راستی خون چند هزار نفر از زحمتکشان جمهوری اسلامی میچکد؟ کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه، اندیشک، دورود، ما شهر، انزلی،... همه و همه خاطر فرزندان دلاور خون تپیده شان را عمواره با دحوا هنددانت. اما اشتباه است اگر فکر کنیم رژیم تنها قاتل این زحمتکشان بوده است با ساداران و سربازانی که توسط ارکانهای ضد خلقی ارتش و سپاه با ساداران برای سرکوب توده ها در کردستان و ترکمن صحرا کشته شده اند، نیز در حقیقت قربانیان منافع رژیم جمهوری اسلامی بوده اند. رژیم برای حفظ و حراست از سرمایه داری وابسته و ادا مع غارت و استثمار زحمتکشان به سرکوب انقلابیون و زحمتکشان میپردازد و دلاوران قهرمان کردنیز چسارهای ندارند مگر برای از بین بردن ستم طبقاتی و ارکانهای سرکوب سرمایه داری وابسته به مقابله برخیزند، به صورت این رژیم جمهوری اسلامی است که ساختار منافع سرمایه داران داخلی و امپریالیستها نه تنها توده ها را سرکوب کرده، بلکه با ساداران و سربازان نا آگاه را نیز به گوشت دم توپ منافع خود تبدیل کرده است رژیم برای واداشتن یا ساداران و ارتشیان به جنگ با توده ها، همواره از احساسات پاک مذهبی آنها استفاده کرده و با وعده بهشت و شهادت آنها را با سلاح به "جنگ با کفار" فرستاده است. این گوشت دم توپ کردن با ساداران، نظامیان و مردم توم زده نسبت به ما هیت رژیم که پیش از جنگ ایران و عراق نیز وجود داشت، اکنون ابعاد بسیار وسیعتری بخود گرفته است.

بقیه در صفحه ۲۳

بقیه در صفحه ۲۲

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست